



Accession to the WTO and Its Impact on Attracting Export-Oriented FDI: The Experience of Selected Developing Countries

 <https://doi.org/10.22034/bs.2024.2025768.2949>

Mohammad Hassan Zare*, Assistant Professor in Economics, Department of Economics, Yazd University Yazd, Iran. 

Fatemeh Mirhoseini, MA Student of Economics, Department of Economics, Yazd University, Yazd, Iran. 

Received: 31 Mar 2024

Revised: 21 May 2024

Accepted: 1 June 2024

Exports/ Foreign Direct Investment/ World Trade Organization/ / Feasible Generalized Least Squares

Foreign direct investment is typically pursued with the objective of gaining control over the host nation's market or enhancing its export activities. The primary aim of this study is to investigate whether the influx of foreign direct investment into developing countries that are members of the World Trade Organization (WTO) has led to an expansion in their exports. A total of 11 acceded developing nations were chosen, with the selection criteria based on data availability. The analysis focused on the timeframe spanning from 2005 to 2020. To address the research inquiry, two distinct models were developed and evaluated. These models were both subjected to generalized least squares estimation and analyzed within the framework of regression models incorporating fixed effects for time. Using the first model, it was investigated whether trade liberalization through joining the World Trade Organization has caused the growth of foreign investment in the mentioned countries or not. The results of this estimate confirmed the positive impact of trade liberalization on foreign investment. In other words, the experience of trade liberalization of the mentioned countries does not indicate the relationship of import substitution and foreign investment, but the relationship of these two was complementary. Then, in the second model, the effect of foreign investment on the exports of these countries was investigated. The results showed that foreign investment had a positive and significant effect on the exports of developing countries that joined the World Trade Organization. Hence, joining of developing nations to this international organization caused a boost to FDI attraction focused on exports. Furthermore, empirical analyses indicate that entry into the WTO has contributed to the expansion of the gross domestic product (GDP) of these nations.


JEL classification: F13, F21, C23.

Data Availability

The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of interest

The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

 <https://doi.org/10.22034/bs.2024.2025768.2949>

مقاله پژوهشی

الحاق به سازمان جهانی تجارت و تاثیر آن بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی صادرات محور: تجربه کشورهای درحال توسعه منتخب

دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۲ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

محمد حسن زارع^۱ (نویسنده مسئول) 
فاطمه میرحسینی^۲ 

چکیده

این برآورد مویید تأثیر مثبت بازبودن تجاری منتج از الحاق به WTO بر سرمایه‌گذاری خارجی بود. به عبارت دیگر، تجربه کاهش موانع تجاری کشورهای مذکور در نتیجه الحاق به سازمان مذکور نشان‌دهنده رابطه جایگزینی واردات و سرمایه‌گذاری خارجی نیست بلکه رابطه این دو مکملی بوده است. سپس در مدل دوم، اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر صادرات این کشورها بررسی شد. نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاری خارجی، تأثیر مثبت و معناداری بر صادرات کشورهای درحال توسعه ملحق شده به سازمان جهانی تجارت داشته است. لذا، تجربیات کشورهای درحال توسعه ملحق شده به این سازمان نشان‌دهنده توفیق آنها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی صادرات محور است. همچنین، بررسی‌های آماری نشان داد که الحاق به WTO سبب رشد تولید ناخالص داخلی این کشورها شده است.

سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند تنها با هدف تصاحب بازار کشور میزبان انجام شود یا باعث رشد صادرات آن شود. هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش است که آیا جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی به کشورهای درحال توسعه ملحق شده به WTO سبب رشد صادرات آنها نیز شده است یا خیر. به این منظور یازده کشور درحال توسعه ملحق شده به این سازمان انتخاب شدند. ملاک انتخاب کشورها در دسترس بودن داده‌ها بوده است. دوره مورد بررسی بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ در نظر گرفته شد. برای پاسخ به پرسش پژوهش دو مدل برآورد شد. هر دو مدل با استفاده از حداقل مربعات تعمیم یافته و در چارچوب رگرسیون با اثرات ثابت زمانی تخمین زده شد. با استفاده از مدل اول بررسی شد که آیا بازبودن تجاری طبق الزامات سازمان جهانی تجارت، سبب رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای مذکور شده است یا خیر. نتایج

طبقه‌بندی JEL: C23، F21، F13

صادرات / سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی / سازمان جهانی تجارت / حداقل مربعات تعمیم یافته

۱. مقدمه: طرح مسأله

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همزمان رشد صادرات دو دغدغه مهم کشورهای درحال توسعه است. اگر موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای بزرگ پیش روی بنگاه‌ها قرار گیرد ممکن است طرف‌های تجاری به منظور دسترسی آسان‌تر به بازار کشور واردکننده تصمیم بگیرند از طریق سرمایه‌گذاری و عرضه در محل بازار اقدام کنند. چنین سرمایه‌گذاری بیشتر از آنکه با هدف صادرات به بازارهای جهانی باشد به قصد تصاحب بازار کشور میزبان یا گرفتن سهمی از آن انجام می‌شود (کارتر و ویلماز، ۱۹۹۹؛ مارچنت و همکاران، ۲۰۰۲). چنین سرمایه‌گذاری خارجی را اصطلاحاً سرمایه‌گذاری خارجی بازار طلب می‌گویند. سرمایه‌گذاری خارجی بازار طلب جایگزین صادرات به کشور میزبان می‌شود و با هدف دور زدن هزینه‌های تجاری بالای کشور میزبان صورت می‌گیرد. درمقابل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کارایی - طلب قرار دارد که بر اساس آن سرمایه‌گذار خارجی، بخش‌های مختلف تولید را با انگیزه دستیابی به مزیت‌های مکانی بین کشورها تقسیم می‌کند به طوری که هر بخش تولید در کشوری واقع شده که در آن عوامل تولید با شدت نیاز بیشتر به طور نسبی فراوان‌تر است (راموندو و دیگران، ۲۰۱۱). از آنجایی که هر کارخانه در هر کشور باید تولید خود را به عنوان کالای واسطه‌ای به سایر کارخانه‌ها صادر کند، این نوع سرمایه‌گذاری خارجی با رشد صادرات همراه است و با هزینه‌های تجاری پایین گسترش می‌یابد (گوه و همکاران، ۲۰۱۳). سرمایه‌گذاری خارجی کارایی - طلب سبب رشد صادرات کشور میزبان می‌شود چراکه بنگاه سرمایه‌گذار این نوع سرمایه‌گذاری را با هدف صادرات به بازارهای جهانی با استفاده از مزیت‌های نسبی کشور میزبان انجام می‌دهد.

یک پرسش اساسی در رابطه با کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت که تجربه کاهش موانع تجاری قابل توجه‌ای را در فرایند الحاق به این سازمان گذرانده‌اند آن

است که آیا این کشورها با الحاق به این سازمان و کاهش موانع وارداتی و همزمان اجرای الزامات این سازمان در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی (از جمله موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری) (این موافقت‌نامه که یکی از موافقت‌نامه‌های کالایی سازمان جهانی تجارت است کشورهای عضو را از به‌کارگیری برخی ضوابط در حوزه سرمایه‌گذاری مثل ضابطه محتوای داخلی، ضابطه تراز تجاری، ضابطه تراز ارزی و ضابطه فروش داخلی منع می‌کند. همه این ضوابط یا باعث تبعیض بین کالای وارداتی و تولید شده در داخل به نفع تولیدات داخلی می‌شوند که مغایر اصل رفتار ملی است یا موجب یک نوع محدودیت مقداری بر واردات کالا است که مغایر اصل حذف محدودیت‌های مقداری است. مثلاً ضابطه محتوای داخلی که مغایر با اصل رفتار ملی است سرمایه‌گذاران را ملزم می‌کند (تا سقف معینی) از تولیدات داخلی به عنوان نهاده تولید استفاده کنند (فتحی، ۱۳۹۰). دو اصل مذکور از اصول خدشه ناپذیر سازمان جهانی تجارت در حوزه تجارت کالایی است که البته در بخش خدمات با انعطاف بیشتری اجرا می‌شود (زارع، ۱۳۸۶). در بخش کالایی و موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (این موافقت‌نامه در برگیرنده الزامات سازمان جهانی تجارت در بخش تجارت خدمات است. طبق این موافقت‌نامه اعضا که از چارچوب محدودیت‌هایی اصل رفتار ملی و دسترسی به بازار در زیربخش‌های خدماتی مذکور در جدول تعهداتشان به تفکیک چهار شیوه عرضه خدمات فراتر نروند. این شیوه‌ها عبارتند از: عبور خدمات از مرز، مصرف در خارج، حضور تجاری و جابه‌جایی اشخاص حقیقی. منظور از حضور تجاری همان سرمایه‌گذاری خارجی در بخش خدمات است (گروه نویسندگان، ۱۳۸۵). (در بخش خدمات) قادر بوده‌اند جاذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کارایی طلب باشند. هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش است. انتخاب کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت از آن جهت است که تعهدات آزادسازی

این کشورها بر خلاف اعضای گات که به شکل خودکار عضو سازمان شده‌اند از طریق فرایند مذاکرات تجاری طولانی حاصل شده است. پاسخ به این پرسش می‌تواند برای کشورهای مثل ایران که سیاست‌گذاران آن همواره نسبت به مزایای الحاق به این سازمان دچار شک و ابهام هستند، مفید باشد. فرضیه اصلی پژوهش آن است که رشد سرمایه‌گذاری خارجی در نتیجه الحاق به سازمان جهانی تجارت منجر به رشد صادرات کشورهای ملحق شده به این سازمان شده است.

مقاله حاضر در پنج بخش تدوین شده است. در بخش دوم، مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین مرور می‌شود و سپس در بخش سوم، روش‌شناسی مطالعه تبیین می‌شود. بخش چهارم به تحلیل یافته‌ها اختصاص دارد. سرانجام، در بخش پنجم، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

الف: مبانی نظری

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زمانی اتفاق می‌افتد که یک شرکت از یک کشور، در کشور دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند که به طور معمول از طریق تاسیس شرکت جدید در کشور میزبان یا سرمایه‌گذاری در یک شرکت موجود در آن کشور انجام می‌پذیرد (اندرویک، ۲۰۱۷).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند منجر به رشد صادرات، سرریزهای فناوری، افزایش اشتغال، رشد اقتصادی و گسترش بازار رقابتی شود. با حضور سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شرکت‌های سرمایه‌گذار و به تبع آن کشور میزبان فرصت بیشتری برای عرضه کالاها و خدماتی دارند که از تقاضای بالاتری در بازار جهانی برخوردار است. با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شرکت‌ها می‌توانند عملیات تولید خود را گسترش دهند و از صرفه‌جویی حاصل از مقیاس بهره‌مند شوند و این منجر به افزایش صادرات کشور میزبان می‌شود. علاوه بر این، شرکت‌های محلی در

کشورهای میزبان از اطلاعات تجاری موجود که در اختیار شرکت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است بهره‌مند می‌شوند. همچنین، حضور سرمایه‌گذاران خارجی، انگیزه شرکت‌های داخلی را تقویت می‌کند تا به سمت بهبود تولید و ارتقای کیفیت حرکت کنند. هر دو عامل بهبود اطلاعات تجاری و ارتقای انگیزه برای بهبود کیفیت، در نهایت در افزایش صادرات منعکس می‌شود (همان).

اثر FDI بر صادرات

شاید اولین کسی که به بررسی ارتباط جابجایی سرمایه و تجارت پرداخت مانندل (۱۹۵۷) بود. وی با بسط تئوری هکچر-اوهلین با فرض تحرک کامل سرمایه بین دو کشور و توابع تولید غیریکسان به این نتیجه رسید رابطه بین تحرک سرمایه و تجارت جانشینی است (کوجیما، ۱۹۷۵). بعداً، مارکوسن (۱۹۸۳) چندین مدل را معرفی کرد که تحرک عوامل تولید منجر به افزایش ارزش تجارت می‌شود. وی نتایج مدل مانندل را یک مورد خاص از مدل‌های تناسب عوامل تولید دانست که منجر به جانشینی بین تحرک سرمایه و تجارت می‌شود (مارکوسن، ۱۹۸۳).

آکاماتسو (۱۹۶۲)، مدل غازه‌های درحال پرواز را معرفی کرد که بر خلاف مدل مانندل یک رابطه مکمل بین FDI و تجارت خارجی را تبیین می‌کند. بر اساس این مدل، شرکت‌های چند ملیتی از طریق استفاده از هزینه‌های پایین‌تر تولید، عمدتاً هزینه‌های نیروی کار، به افزایش رقابت‌پذیری و صادرات کشور میزبان کمک می‌کنند. بهبود رقابت‌پذیری علاوه بر آنکه به طور مستقیم به افزایش ظرفیت عرضه صادرات کشور میزبان منجر می‌شود، به طور غیرمستقیم نیز از طریق انتقال فناوری‌های جدید، تجهیزات و تخصص مدیریتی به کشورهای میزبان، عملکرد صادراتی این کشورها را بهبود می‌بخشد (کورهونن، ۱۹۹۴).

الگوی چرخه عمر محصول که توسط ورنن (۱۹۶۶) بسط داده شد تبیین‌کننده مزیت نسبی پویاست زیرا بر اساس

این الگو، کشور صادرکننده محصول، در طول چرخه عمر محصول تغییر می‌کند. این تئوری، دوران عمر محصول را از دیدگاه کشور مبتکر و مقلد به پنج مرحله تقسیم می‌کند. در مرحله اول، محصول فقط در کشور مبتکر تولید و مصرف می‌شود. در مرحله دوم که مرحله رشد محصول نام دارد، تولید در کشور مبتکر به بالاترین کیفیت خود می‌رسد و عرضه داخل و صادرات کشور مذکور به سرعت افزایش می‌یابد. در مرحله سوم یا مرحله بلوغ محصول، کالا و فناوری تولید آن مرسوم و فراگیر می‌شود. در این مرحله اعطای امتیاز تولید کالا به سایر بنگاه‌های داخلی و خارجی برای بنگاه تولیدکننده در کشور مبتکر سودآور می‌شود و شاهد رشد سرمایه‌گذاری خارجی کشور مبتکر یا مبدأ در کشور مقلد یا میزبان خواهیم بود. در ابتدا این سرمایه‌گذاری برای عرضه محصول در بازار داخلی کشور میزبان است. در این مرحله که تولید در داخل کشور میزبان با هدف جایگزینی واردات انجام می‌شود احتمالاً موانع تعرفه‌ای افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاری خارجی جایگزین صادرات کشور مبدأ می‌شود. در مرحله چهارم، کشور مقلد با وجود نیروی کار ارزان و هزینه‌های ارزان‌تر با تولید یک کالای مرسوم روبروست که تولید آن نیاز به مهارت‌های فنی و تحقیق و توسعه ندارد. لذا، سرمایه‌گذاری خارجی با هدف صادرات به بازارهای جهانی انجام می‌شود. در این مرحله جذب سرمایه‌گذاری خارجی با رشد صادرات کشور میزبان همراه است. در مرحله پنجم کشور مبتکر یا مبدأ خود تبدیل به یک واردکننده از کشور مقلد یا میزبان می‌شود. مزیت نسبی پویا، همراه با تحرک عوامل تولید و صرفه‌های حاصل از مقیاس، نظریه چرخه محصول را به جایگزینی برای تئوری هکچر-اوهلین درحالت پویایی فناوری تبدیل می‌کند (کاساهارا، ۲۰۰۴).

نظریه کوچیما (۱۹۸۵) که مبتنی بر بازار کامل است بیان می‌کند اگر سرمایه‌گذاری خارجی در صنایعی صورت گیرد که در بازار کشور میزبان دارای عدم مزیت نسبی است

باعث گسترش تجارت بین کشور مبدأ و میزبان می‌شود و صنایع دوکشور رشد خواهد کرد. این سرمایه‌گذاری دارای سمت‌گیری تجاری است. درمقابل اگر سرمایه‌گذاری خارجی باعث رشد صادرات و واردات بین کشور مبدأ و میزبان نشود به خاطر آن است که درصنایعی انجام شده که در کشور مبدأ دارای مزیت نسبی است (فتحی، ۱۳۹۰).

تئوری نوین تجارت بر اساس چارچوب مالکیت، مکان و درونی‌سازی توسعه یافته است. این چارچوب، مزیت‌های مکان، مالکیت و درونی‌سازی را در مدل‌های تعادل عمومی گنجانده و الگوی تجارت را پیش‌بینی می‌کند. اندازه بازار، هزینه تجارت و تفاوت در موجودی نسبی عوامل کشورها در مزیت‌های مکان گنجانده می‌شود. سرمایه و دانش، اجزاء مزیت مالکیت محسوب می‌شوند. با توجه به موقعیت مکانی و مزیت‌های مالکیت، مکان‌یابی شرکت‌های چندملیتی با دو فرضیه رقیب توضیح داده می‌شود: فرضیه سهم نسبی عوامل تولید و فرضیه مجاورت-تمرکز (کریمو، ۲۰۲۰). فرضیه سهم نسبی عوامل تولید، پدیده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از منظر توانایی شرکت‌های چندملیتی در مکان‌یابی مراحل مختلف تولید در کشورهای مختلف، با لحاظ تفاوت در هزینه‌های عوامل، توضیح می‌دهد (مارکوسن، ۲۰۰۲). براین اساس، اگر نهاده‌های سرمایه-دانش که در مرکز اصلی شرکت تأمین می‌شود به راحتی و با هزینه کم به شرکت‌های وابسته خارجی منتقل شود امکان استفاده از مزیت‌های تفاوت قیمت سایر عوامل تولید در مناطق مختلف جهان برای یک شرکت چندملیتی فراهم می‌شود. این فرضیه درواقع انگیزه بنگاه‌های چندملیتی را از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شکل عمودی آن تبیین می‌کند. در سرمایه‌گذاری عمودی، بنگاه فعالیتی متفاوت اما مرتبط با کار اصلی خود را در کشور دیگری انجام می‌دهد؛ مثلاً قطعات و مواد اولیه محصول تولیدی خود را در کشور دیگری تولید می‌کند. درحقیقت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی به سرمایه‌گذاری‌هایی اطلاق

می‌شود که فرایند تولید یا زنجیره ارزش به اجزاء مختلف تقسیم می‌شود تا از تفاوت قیمت‌های عوامل تولید بین کشورها یا مناطق استفاده شود. در این نوع سرمایه‌گذاری، انگیزه اصلی سرمایه‌گذار، دسترسی به عوامل تولید ارزان است. مدل عمودی FDI اولین بار توسط هلیمن (۱۹۸۴) توسعه یافت. شرکت‌های چندملیتی، شبکه تولید خود را به گونه‌ای سازماندهی می‌کنند که بخش‌های مختلف فرایند تولید در کشورهای مختلف به منظور بهره‌گیری از تفاوت قیمت‌های عوامل تولید مستقر شوند. این پراکندگی جغرافیایی تولید باعث کاهش هزینه‌های تولید خواهد شد. از آنجایی که تولید در مراحل مختلف آن به شدت نیروی کار ماهر متفاوتی نیاز دارد، مراحل تولیدی که شدت استفاده از نیروی کار با مهارت کمتر دارد در کشورهای کمتر توسعه یافته، که در آنها نیروی کار غیرماهر نسبتاً فراوان و ارزان است، و فعالیت‌هایی که شدت استفاده از نیروی کار ماهر دارد مانند تحقیق و توسعه (R&D)، در کشورهای توسعه یافته انجام خواهد شد. از آنجایی که FDI عمودی متضمن جدایی جغرافیایی فرایند تولید است، این نوع سرمایه‌گذاری، باعث گسترش تجارت درون بنگاهی و درون صنعت می‌شود (هیأت ملی تجارت، ۲۰۰۸). تأثیر کلی FDI عمودی بر واردات کشور میزبان بستگی به نحوه تأمین نیازهای تولیدی شرکت‌های چندملیتی دارد. درواقع باید دید که این شرکت‌ها چه میزان از نهاده‌های مورد نیاز خود را از طریق واردات از شرکت مادر یا کشور ثالث یا خرید از عرضه‌کنندگان محلی تأمین می‌کنند. علاوه بر این، تعرفه‌های خارجی بلوک‌های منطقه‌ای ممکن است بر تجارت نهاده‌ها تأثیر بگذارد به طوری که شرکت‌ها را به تجارت در داخل بلوک منطقه‌ای ترغیب کند. اما در مجموع بر اساس فرضیه سهم عوامل تولید، سرمایه‌گذاری عمودی یا کارایی - طلب که به دنبال کاهش هزینه‌های تولید از طریق استفاده از مزیت‌های کشور میزبان است منجر به رشد صادرات این کشور خواهد شد (کریمو، ۲۰۲۰).

در مقابل، فرضیه مجاورت-تمرکز بر این فرض استوار است که کشورها از نظر اندازه بازار، وفور عوامل تولید و توسعه فناوری متقارن هستند. بر اساس این فرضیه، بنگاه‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر صادرات ترجیح می‌دهند، مشروط بر اینکه از نزدیکی به مشتریان یا تأمین‌کنندگان تخصصی در مقابل هزینه کاهش مقیاس منتفع شوند (برینارد، ۱۹۹۷). بنابراین، هرچه قدر هزینه‌های حمل و نقل و موانع تجاری بالاتر رود و موانع سرمایه‌گذاری کاهش یابد و نسبت صرفه‌های حاصل از مقیاس در سطح کارخانه محلی در کشور میزبان به شرکت اصلی افزایش یابد، احتمال سرمایه‌گذاری خارجی از طریق شرکت‌های چندملیتی بیشتر می‌شود. با فرض تشابه اندازه بازار کشورها و وفور عوامل تولید، هدف شرکت‌های چندملیتی از سرمایه‌گذاری در کشور میزبان دسترسی بهتر به بازار از طریق حداقل‌سازی هزینه‌های حمل و نقل مرتبط با صادرات است. درواقع این فرضیه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی را بین کشورهای مشابه از نظر وفور مطلق و نسبی عوامل تولید توضیح می‌دهد (برینارد، ۱۹۹۷؛ هورستمن و مارکوسن، ۱۹۹۲). سرمایه‌گذاری افقی نوعی سرمایه‌گذاری خارجی است که شرکت سرمایه‌گذار فعالیت تجاری را که در کشور خود در حال اجرای آن است در یک کشور خارجی اجرا می‌کند. این سرمایه‌گذاری با هدف دسترسی بهتر به بازار از طریق کاهش هزینه‌های ناشی از تعرفه‌ها و حمل و نقل انجام می‌شود. درحقیقت، بر اساس فرضیه مجاورت-تمرکز بنگاه‌ها در وضعیتی قرار دارند که باید بین سود حاصل از نزدیکی به مصرف‌کننده و زیان ناشی از پراکندگی تولید تصمیم بگیرند (برینارد، ۱۹۹۷). بنگاه‌ها در مدل افقی FDI، روش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به جای صادرات، برای عرضه کالا و خدمات ترجیح می‌دهند زیرا در این حالت منافع نزدیکی به مصرف‌کنندگان، بیشتر از منافع حاصل از تمرکز تولید در یک مکان واحد است. بنابراین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که با هدف دسترسی بهتر به

بازار کشور میزبان انجام می‌شود، جایگزین صادرات کالاهای نهایی از کشور مبدأ سرمایه‌گذاری خواهد شد. در مجموع، با رشد درآمد جهانی هرچه قدر کشورها از نظر وفور عوامل تولید به هم شبیه می‌شوند سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر جایگزین واردات کشور میزبان از مبدأ می‌شود. با این وجود ممکن است شاهد افزایش صادرات از کشور مبدأ به میزبان باشیم چراکه سرمایه‌گذار ممکن است نهاده‌ها، قطعات و ماشین‌آلات مورد نیاز خود را از کشور مبدأ وارد کند. پلتفرم FDI که تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر صادرات کشور میزبان را نشان می‌دهد، می‌توان به عنوان شکل پیچیده‌تری از FDI افقی دید. پلتفرم FDI به سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر دسترسی به بازار اشاره دارد که بر اساس آن شرکت‌های چندملیتی، تولید خود را در یک کشور خارجی که در مجاورت بازار صادراتی هدف قرار دارد، مستقر می‌کنند (هیأت ملی تجارت، ۲۰۰۸). در مجموع، FDI افقی، که شامل پلتفرم FDI نیز می‌شود، توضیح می‌دهد که چرا محصولات مشابه توسط شرکت‌های چندملیتی در نقاط مختلف جهان تولید می‌شوند. دلیل اصلی که در این خصوص مطرح می‌شود آن است که سرمایه‌گذاری در یک کشور به قصد صادرات به بازار کشورهای هدف به خاطر اجتناب از هزینه‌های تجاری مربوط به صادرات و افزایش حجم فروش انجام می‌شود. طبق این نظریه، در بازارهای بزرگ با درآمد بالا و تمایل به پرداخت بالا، سرمایه‌گذاری‌های جدید به قصد تولید و فروش محلی، علی‌رغم هزینه‌های تولید بالای آن، سودآور خواهد بود. بنابراین، این نظریه توضیح می‌دهد که چرا سرمایه‌گذاری‌های افقی عمدتاً بین کشورهای ثروتمند جریان می‌یابد در مجموع، تأثیر این نوع سرمایه‌گذاری بر صادرات کشور میزبان مبهم است چراکه اساساً هدف این نوع سرمایه‌گذاری دسترسی به بازار کشور میزبان است نه استفاده از مزیت‌های این کشور برای صادرات به بازارهای جهانی. در عین حال این سرمایه‌گذاری می‌تواند به رشد صادرات از کشور میزبان به کشورهای ثالث هم منجر شود (هنسون و همکاران، ۲۰۰۵).

فرضیه اندازه بازار

بر اساس این فرضیه، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان به اندازه بازار این کشور بستگی دارد به طوری که هرچه اندازه بازار بزرگتر باشد FDI هم بیشتر خواهد شد. یک شاخص مهم اندازه بازار، تولید ناخالص داخلی کشور میزبان است (فتیحی، ۱۳۹۰) سرمایه‌گذاری خارجی بازار- طلب با هدف دسترسی به بازار کشور میزبان انجام می‌شود و طبق این فرضیه تابعی از GDP کشور میزبان است.

فرضیه باگواتی

امروزه بیش از گذشته اقتصاددانان بر این باورند که FDI می‌تواند مانند تجارت در خدمت رشد و توسعه اقتصادی یک کشور باشد. از یک طرف، FDI با اثرگذاری بر عوامل مختلف، رشد اقتصادی را سرعت می‌بخشد؛ از جمله تأثیر FDI بر انتقال فناوری و از این طریق افزایش بهره‌وری سرمایه (برنزیتن و گرگریو و لی (۱۹۹۸)، رانا و داوولینگ (۱۹۹۰)، بلومسترم و ونگ (۱۹۸۹))، تأثیر FDI بر آموزش نیروی انسانی و از این طریق توسعه سرمایه انسانی (ونگ (۲۰۰۹)) و اثر FDI بر رشد سرمایه‌گذاری داخلی (برنزیتن و گرگریو و لی (۱۹۹۸)). از طرف دیگر، اثرگذاری FDI بر رشد خود متاثر از عواملی مثل وجود نیروی انسانی تحصیل کرده و با مهارت، وجود زیرساخت‌های اقتصادی توسعه‌یافته، وجود نهادهای کارآمد، سطح رقابت در بازار کشور میزبان، نحوه تخصیص FDI در بخش‌های مختلف اقتصادی، درجه توسعه‌یافتگی کشور میزبان، توسعه سیستم مالی و راهبرد تجاری کشور میزبان است. در خصوص ارتباط راهبرد تجاری کشور میزبان با اثرگذاری FDI بر رشد فرضیه باگواتی بیان می‌کند که راهبرد توسعه صادرات نسبت به جایگزینی واردات هم در جذب FDI و هم در اثرگذاری FDI بر رشد بهتر عمل می‌کند. راهبرد جایگزینی واردات به دلیل وابستگی شدید به حمایت‌های تعرفه‌ای و سهمیه‌های تجاری منجر به تخصیص غیربهبهینه عوامل تولید شده و رشد تولید را از مسیر مزیت‌های نسبی

مبتنی بر وفور نسبی عوامل تولید ناممکن یا دشوار می‌سازد. در مقابل، راهبرد توسعه صادرات منجر به حرکت آزاد عوامل تولید و تخصیص بهینه منابع بر اساس مزیت‌های نسبی می‌شود و رشد اقتصادی را شتاب می‌بخشد. همچنین، رقابت به وجود آمده در نتیجه راهبرد توسعه صادرات منجر به تشویق تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی شده که بر اساس مدل‌های رشد درون‌زا باعث رشد اقتصادی بیشتر می‌شود. بنابراین، جذب FDI کارایی-طلب با راهبرد توسعه صادرات محقق می‌شود و نه جایگزینی واردات. فرضیه باگواتی در مطالعات تجربی متعددی مورد تایید قرار گرفته است (از جمله بالاسورامانیام و دیگران (۱۹۹۶) برای ۱۸ کشور با راهبرد توسعه صادرات و ۲۸ کشور با راهبرد جایگزینی واردات، کوهپایون (۲۰۰۳) برای تایلند، عتیق و دیگران (۲۰۰۴) برای پاکستان و مکی و ساموارو (۲۰۰۴) برای ۶۶ کشور در حال توسعه) (ابراهیم و دیگران، ۲۰۲۱).

تأثیر نرخ ارز بر صادرات

در رابطه با تأثیر نرخ ارز بر صادرات، بر اساس شرط مارشال-لرنر در صورتی که مجموع قدر مطلق کشش تقاضا برای صادرات و تقاضا برای واردات بزرگتر از یک باشد، کاهش ارزش پول ملی باعث رشد صادرات و بهبود تراز تجاری می‌شود. منحنی جی تأثیر تغییرات نرخ ارز را بر تراز تجاری را در چارچوب زمان مطرح می‌کند. بر اساس نظریه جی در دوره زمانی بسیار کوتاه مدت به دلیل کوچک بودن کشش‌های قیمتی تقاضا برای صادرات و واردات، افزایش نرخ ارز باعث بدتر شدن تراز تجاری می‌شود اما در دوره میان مدت و بلندمدت تراز تجاری بهبود می‌یابد (سالواتوره، ۲۰۱۳).

تأثیر الحاق به WTO بر جذب FDI کارایی-طلب

سازمان جهانی تجارت در اول ژانویه ۱۹۹۵ جایگزین موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) شد. مقررات گات تنها شامل تجارت کالا می‌شود اما WTO دربرگیرنده

مقررات مفصلی در هر سه حوزه تجارت کالا، خدمات و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری است. مقررات WTO در حوزه تجارت کالایی نیز بسیار مبسوط‌تر از گات و شامل چندین موافقت‌نامه است که درخصوص بسیاری از آنها در گات صرفاً در حد یک یا چند ماده آمده است. به علاوه، این سازمان از یک نظام فیصله اختلافات تجاری کارآمدی برخوردار است. علاوه بر گسترش قابل توجه حوزه کاری، شمار اعضای WTO هم نسبت به گات افزایش یافته است. در حال حاضر ۱۶۵ کشور عضو این سازمان هستند در حالی که گات در زمان امضای آن در سال ۱۹۴۷ تنها ۲۳ عضو داشت (بزرگی، ۱۳۸۶: ۱). در زمان تشکیل WTO کشورهای عضو گات بدون مذاکرات الحاق و به شکل خودکار به عضویت سازمان درآمدند اما کشورهایی که پس از آن خواستار الحاق به این سازمان هستند وارد فرایند نسبتاً طولانی و پیچیده مذاکرات در هر دو حوزه مقررات و دسترسی به بازار می‌شوند. تاکنون ۳۷ کشور به این سازمان پیوسته‌اند که ۲۷ کشور در حال توسعه و بقیه کمتر توسعه یافته بودند. این کشورها برای الحاق، تعهدات آزادسازی سختگیرانه‌تری را نسبت به اعضای که به شکل خودکار از گات عضو WTO شدند، پذیرفته‌اند.

در رابطه با تأثیر الحاق به WTO بر صادرات از طریق سرمایه‌گذاری خارجی باید گفت که سازمان جهانی تجارت در مقررات مختلف خود به طور مستقیم و غیرمستقیم سرمایه‌گذاری خارجی را متأثر می‌کند. در بخش کالایی حذف ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری در نتیجه پذیرش موافقت‌نامه تریمس تأثیر مثبت بر جذب FDI و از این طریق بر صادرات دارد چراکه با وجود ضوابط محدودکننده‌ای مثل محتوای داخلی، تراز تجاری و تراز ارزی (که در موافقت‌نامه تریمس سازمان جهانی تجارت ممنوع شده)، بنگاه‌های خارجی که مخصوصاً ارتباط تنگاتنگی با شرکت مادر دارند مجبور خواهند بود به جای راهبرد تولید پیوسته از راهبرد تولید گسسته استفاده کنند. در واقع، این محدودیت‌ها،

مانع توسعه زنجیره‌های عمودی عرضه و تولید برای بازارهای خارج از کشور می‌شود و باعث ایجاد اختلال در جریان عوامل تولید تخصصی مورد نیاز این بنگاه‌ها از سایر کشورها می‌شود. در این حالت، سرمایه‌گذار خارجی به یک تولیدکننده محلی تبدیل می‌شود و به علت این که از فناوری قدیمی‌تر و عوامل تولید گران‌تر استفاده می‌کند شاهد کاهش قابلیت صادرات خود خواهد بود. بنابراین انتظار می‌رود که الحاق به WTO و پذیرش موافقت‌نامه تریمس اثر مثبت بر سرمایه‌گذاری خارجی کارایی-طلب داشته باشد (فتحی، ۱۳۹۰). همچنین الزامات شفافیت، عدم تبعیض (شامل اصل دولت کامل‌الوداد و اصل رفتار ملی)، حذف محدودیت‌های مقداری، پذیرش موافقت‌نامه تریپس (مربوط به مالکیت فکری) و تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات تجاری، امنیت حقوقی و مقرراتی را برای سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر کرده بر FDI تأثیر مثبت دارد. در بخش خدمات نیز در چارچوب موافقت‌نامه گاتس کشور ملحق شده به سازمان متعهد می‌شود محدودیت‌های دسترسی به بازار و رفتار ملی خود را در چهار شیوه عرضه خدمات (که شیوه سوم آن حضور تجاری یا همان سرمایه‌گذاری خارجی است) مشخص کنند و وارد مذاکرات با اعضا برای کاهش یا تعدیل آنها شوند. این محدودیت‌ها در جدول تعهدات خدمات کشورها درج می‌شود و در کنار جدول امتیازات تعرفه‌ای و تعهدات حوزه مقررات کشور ملحق شده قرار می‌گیرد. طبیعتاً این محدودیت‌ها در نتیجه الحاق به سازمان شفاف خواهد شد و کاهش خواهد یافت. به علاوه، کشور ملحق شده طبق گاتس متعهد به ایجاد نقاط تماس و پاسخگو برای تأمین نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران بخش خدمات است. طبق این موافقت‌نامه، مراکز رسیدگی به شکایات سرمایه‌گذاران نیز باید مستقل از دولت باشد (گروه نویسندگان، ۱۳۸۵). همگی این تعهدات موجب بهبود فضای قانونی، مقرراتی و تسهیل دسترسی به بازار از طریق جذب FDI و به دنبال آن گسترش صادرات خواهد شد.

ب: پیشینه پژوهش

طیسی و بابکی (۱۳۸۷)، در مطالعه‌ای به بررسی نقش باز بودن اقتصاد در درجه تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه پرداختند. این مطالعه برای دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۵، به روش داده‌های تابلویی و در خصوص ۲۴ کشور شامل ۱۲ کشور شرق آسیا و اقیانوسیه و ۱۲ کشور غرب آسیا انجام شد. نتایج نشان داد متغیر درجه باز بودن اقتصاد در اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات نقش مثبت و معنی‌دار دارد.

مهدوی عادل و همکاران (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی ایران انجام دادند. این مطالعه با استفاده از الگوی خود توضیح با وقفه‌های توزیعی و برای دوره زمانی ۸۴-۱۳۴۲ انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی ایران در بلندمدت و کوتاه‌مدت تأثیر مثبت معنی‌دار دارد. علاوه بر این، افزایش نرخ ارز حقیقی و کاهش شاخص جذب داخلی منجر به افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود. نتایج برآورد مدل پویا نیز وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای توضیحی و صادرات غیرنفتی را تأیید می‌کند.

مهدوی عادل و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای دیگر با استفاده از روش همجمعی به بررسی اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر صادرات ایران طی سالهای ۱۳۵۲-۱۳۸۷ پرداختند. نتایج حاکی از وجود یک رابطه کوتاه‌مدت مثبت بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات غیرنفتی بود درحالی‌که ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات کل و همچنین صادرات نفتی، منفی ارزیابی شد. همچنین، در بلندمدت نتایج مدل پژوهش ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات کل و صادرات غیرنفتی را منفی و ارتباط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات نفتی را مثبت نشان داد.

آذربایجان و همکاران (۱۳۹۱)، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر جریان‌ات تجاری بخش صنعت را در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی با استفاده از مدل جاذبه و داده‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۰ برآورد کردند. نتایج نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کنار متغیرهای درآمد ملی و جمعیت بر جریان‌های تجاری بخش صنعت کشورهای مذکور بود. این مطالعه همچنین نشان داد که فاصله جغرافیایی اثر منفی بر جریان‌های تجاری بخش صنعت دارد.

ناهیدی و حسین‌پور (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای نقش مدیریت بهره‌وری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در توسعه صادرات غیرنفتی ایران مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه از داده‌های بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۵۰ و روش خود توضیح برداری استفاده شد. نتایج حاصل از این بررسی، تأثیرپذیری مثبت صادرات غیرنفتی را از عوامل مذکور تأیید و بر ضرورت توجه به این عوامل تأکید کرد.

تقوی و حسن‌پور (۱۳۹۵)، پژوهشی تحت عنوان «پیچیدگی صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای درحال توسعه با تأکید بر ایران)» انجام دادند. این پژوهش، با استفاده از تکنیک پانل به تخمین عوامل موثر بر پیچیدگی صادرات غیرنفتی ۱۰۸ کشور درحال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۷ پرداخت. مدل پژوهش با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته در چارچوب رگرسیون با اثرات ثابت زمانی تخمین زده شد. نتایج نشان داد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه معناداری با شاخص پیچیدگی صادرات غیرنفتی کشورهای درحال توسعه دارد. این پژوهش تأکید می‌کند که بر اساس تجربیات کشورهای درحال توسعه، پیچیدگی صادرات غیر نفتی ایران نیز از طریق سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند افزایش یابد.

نادری و دیگران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «رابطه واردات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: مطالعه موردی

کشورهای درحال توسعه منتخب ملحق شده به سازمان جهانی تجارت» به بررسی رابطه مکملی و جانشینی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و واردات پرداختند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده یک رابطه یک طرفه قوی از سمت واردات به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رابطه مکملی این دو متغیر بود به گونه‌ای که کاهش موانع وارداتی باعث رشد سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود و نه افزایش آن. در واقع، اقتصادهای رقابتی مشوق بهتری برای سرمایه‌گذاری خارجی هستند تا اقتصادهای بسته. همچنین، الحاق به سازمان جهانی تجارت تأثیر مثبتی بر جذب FDI دارد.

پراسانا (۲۰۱۰)، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر عملکرد صادرات هند در سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۱ را مورد ارزیابی قرار داد. این مطالعه نشان داد که تأثیر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر عملکرد صادرات به شکل معناداری مثبت بوده است. بنابراین، سیاست‌های داخلی برای افزایش صادرات، نیازمند ارزیابی مجدد سیاست‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور کسب حداکثر منافع درازمدت است.

جایاکومار (۲۰۱۴)، در پژوهشی، وجود ارتباط میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات و واردات هند را به روش مروری-تحلیلی بررسی نمود. هدف این مطالعه ارائه شواهد کافی از ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات و واردات بود. نتایج این مطالعه نشان داد که FDI تنها متغیر توضیحی برای پیش‌بینی تغییرات صادرات در هند نبوده است. تجارت بین‌المللی که با صادرات و واردات اندازه‌گیری می‌شود، مکمل جریان‌های ورودی FDI بوده است. همچنین، جریان ورودی FDI دارای اثرات بازخوردی با صادرات و واردات شرکای تجاری هند است. بعلاوه، FDI ناشی از گسترش تجارت، رفاه اجتماعی را بهبود بخشیده است.

میتیح و ایویچ (۲۰۱۶)، مطالعه‌ای درخصوص ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عملکرد صادرات

اقتصادهای در حال گذار اروپا انجام دادند. این مطالعه ارتباط FDI در دو دهه اخیر را با صادرات این کشورها به تفکیک در دو بخش کل صادرات کالایی و صادرات کالاهای با فناوری پیشرفته با استفاده از تحلیل ضریب همبستگی و ضریب همبستگی با یک سال تأخیر بررسی می‌کند. نتایج نشان‌دهنده همبستگی مثبت بین صادرات و FDI در هر دو بخش است اما سطح همبستگی در بخش کالاهای با فناوری بالا قوی‌تر از کل صادرات است.

مختاروف و همکاران (۲۰۱۹)، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات اردن را با استفاده از روش ARDL و داده‌های سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۸ بررسی کردند. نتایج نشان داد که یک رابطه بلندمدت میان متغیرها وجود دارد به شکلی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در بلندمدت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد به طوری که رشد یک درصدی FDI باعث افزایش ۰٫۱۳ درصدی صادرات اردن می‌شود.

کاستراتویچ (۲۰۲۰)، در یک مطالعه مروری به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کشور میزبان پرداخت. در این مطالعه ۳۷ مقاله نظری و ۲۷ مطالعه تجربی در سطح خرد بررسی شده‌اند. نتایج نشان داد که ادبیات تجربی موجود عمدتاً حاکی از تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است.

یک تفاوت عمده پژوهش حاضر از سایر مطالعات مشابه، جامعه آماری آن است که شامل کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت است. این کشورها تجربه کاهش موانع تجاری خاص و منحصربه‌فردی را در فرایند مذاکرات الحاق به این سازمان طی کرده‌اند. مخصوصاً آنکه تعهدات آزادسازی این کشورها هم از نظر سطح و هم عمق با کشورهایی که قبلاً عضو موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) بوده‌اند و در زمان تشکیل و شروع به کار سازمان جهانی تجارت (اول ژانویه ۱۹۹۵) به طور خودکار به

این سازمان پیوسته‌اند، متفاوت است. این آزادسازی در دو بخش کالایی و خدمات صورت گرفته، همراه با تعهدات گسترده‌ای در حوزه‌های شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و ثبات قوانین و مقررات تجاری و سرمایه‌گذاری، اجرای جنبه‌های مختلف مالکیت فکری، تبعیت از روندهای بین‌المللی رسیدگی به اختلافات تجاری و سرمایه‌گذاری، اجرای غیرتبعیض‌آمیز مقررات تجاری و سرمایه‌گذاری و مالیات‌های داخلی و عوارض گمرکی (رفتار ملی و رفتار دولت کامله‌الوداد)، رعایت استانداردهای بین‌المللی تولید و تجارت کالا، حذف یارانه‌های صادراتی و محتوای داخلی، ممنوعیت استفاده از الزامات تراز تجاری و ارزی و الزام فروش داخلی بر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی (مگر در شرایط خاص مشکلات تراز پرداخت‌ها به شرط تأیید صندوق بین‌المللی پول) و اجرای رویه‌های بین‌المللی مربوط به اقدامات اقتضایی (اقدامات حفاظتی، ضد دامپینگ و جبرانی) است که همگی می‌تواند در نوع سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده (جذب سرمایه‌گذاری خارجی کارایی- طلب به جای بازار- طلب) و به تبع آن تأثیر FDI بر صادرات این کشورها موثر باشد. این جامعه آماری به طور خاص در مطالعات قبلی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. جنبه دیگر تفاوت این پژوهش با مطالعات پیشین آن است که ابتدا بررسی می‌شود آیا کاهش موانع تجاری ذیل مقررات WTO اصولاً باعث رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای نمونه شده است یا خیر. باید توجه داشت که رسالت اصلی سازمان مذکور قاعده‌مندسازی و تسهیل تجارت از طریق اجرای الزامات سازمان و کاهش موانع تجاری است. بنابراین انتظار می‌رود تأثیرات الحاق به این سازمان بر سرمایه‌گذاری خارجی از طریق کاهش موانع تجاری و اجرای الزامات سازمان مخصوصاً مقررات سازمان در حوزه سرمایه‌گذاری (از جمله موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری) باشد. ممکن است کاهش موانع تجاری از طریق گسترش واردات جایگزین ورود سرمایه‌های خارجی

نیز برگرفته از مطالعات دانینگ (۱۹۹۷)، کاشمن (۱۹۸۵) و گالگا و سککت (۲۰۰۴) می‌باشد (طیبی و همکاران، ۱۳۸۶).

$$FDI_{it} = \beta_0 + \beta_1 IMP_{it} + \beta_2 LGDP_{it} + \beta_3 RER_{it} + \beta_4 WTO_{it} + \theta_{it} \quad (1)$$

برای بررسی اثر FDI بر صادرات، مدل عمومی زیر به کار می‌رود. مدل‌هایی که برای بررسی اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر صادرات استفاده شده متنوع هستند اما عموماً از متغیر نرخ ارز به عنوان متغیر کنترلی استفاده کرده‌اند و بر اساس هدف تحقیق متغیرهای کنترلی دیگر وارد مدل شده‌اند از جمله مدل‌های صادرات تسما (۲۰۱۹)، توکسان و ووکسیک (۲۰۰۷) و مدل واویلف (۲۰۰۵). در این مطالعه با توجه به هدف تحقیق متغیرهای تولید ناخالص داخلی جهانی به قیمت ثابت و متغیر دامی الحاق به سازمان جهانی تجارت به مدل اضافه شده است.

$$Exp_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 FDI_{it} + \alpha_2 LWGDP_{it} + \alpha_3 RER_{it} + \alpha_4 WTO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

در مدل‌های فوق، WTO متغیر دامی الحاق به سازمان جهانی تجارت است که برای هر کشور از سال الحاق به بعد ۱ و برای بقیه سال‌ها صفر در نظر گرفته شده است. Exp، صادرات، IMP وادارات و FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند که همگی به صورت درصدی از GDP هر کشور اندازه‌گیری شدند. LGDP_{it} لگاریتم تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد بررسی و LWGDP لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی جهانی به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۱۵ هستند. RER نرخ ارز موثر حقیقی است که ارزش یک ارز در برابر میانگین موزون چند ارز خارجی است که بر یک کاهش دهنده قیمت یا شاخص هزینه‌ها تقسیم می‌شود. θ و ε جزء خطا هستند. بازه زمانی، ۲۰۲۰-۲۰۰۵ در نظر گرفته شده است. داده‌های تحقیق برگرفته از بانک جهانی و پایگاه اینترنتی سازمان جهانی تجارت است.

شود به این مفهوم که عرضه‌کنندگان خارجی که با کاهش تعرفه‌ها در نتیجه عضویت یک کشور در این سازمان مواجه می‌شوند ترجیح دهند به جای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور مذکور از طریق صادرات به بازار آن دست یابند. به عبارتی افزایش واردات در نتیجه الحاق به سازمان جهانی تجارت جایگزین سرمایه‌گذاری خارجی شود. اگر این رابطه از نوع جایگزینی نباشد بلکه از نوع مکملی باشد به طوری که رشد واردات همراه با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی بوده است، پرسش دوم مطرح می‌شود که آیا جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی همراه با رشد صادرات این کشورها هم بوده یا اینکه این سرمایه‌گذاری خارجی عمدتاً برای تصاحب بازار داخلی کشور میزبان انجام شده است. در صورتی که رشد FDI منجر به رشد صادرات شده باشد مثلث رابطه بین واردات، FDI و صادرات در کشورهای مذکور بدین گونه است که رشد واردات در نتیجه کاهش موانع تجاری و رشد واردات (الحاق به WTO) باعث رشد FDI و رشد FDI باعث رشد صادرات در این کشورها شده است. یعنی کشورهای مذکور توانسته‌اند از الحاق به نحو مفیدی بهره‌مند شوند.

۳. مدل تحقیق و داده‌ها

معرفی مدل

در این پژوهش برای بررسی اثر افزایش واردات در نتیجه الحاق به WTO بر FDI از مدل زیر استفاده می‌شود. این مدل مشابه مدلی است که در مطالعات نادری و همکاران (۱۴۰۱) و طیبی و همکاران (۱۳۸۶) به کاررفته است. تفاوت این مدل با مدل استفاده شده در مطالعه نادری و همکاران آن است که در مطالعه این محققین از نرخ ارز اسمی استفاده شده اما در این مطالعه، نرخ ارز موثر حقیقی به کار گرفته شده است. در مطالعه طیبی و همکاران نیز از متغیر دامی WTO استفاده نشده اما در این مطالعه با توجه به هدف تحقیق از این متغیر استفاده شده است. اصل مدل

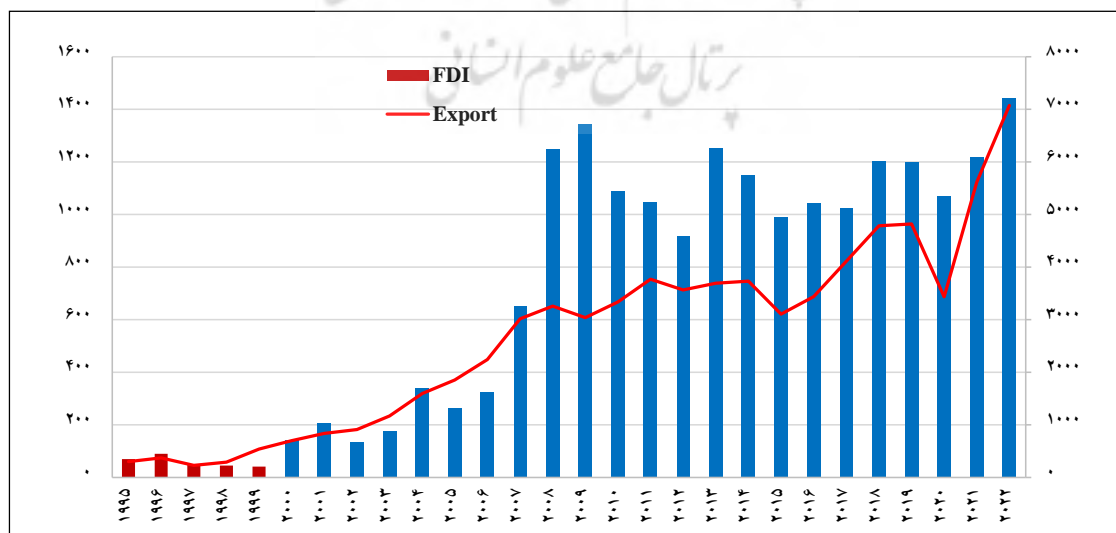
داده‌ها

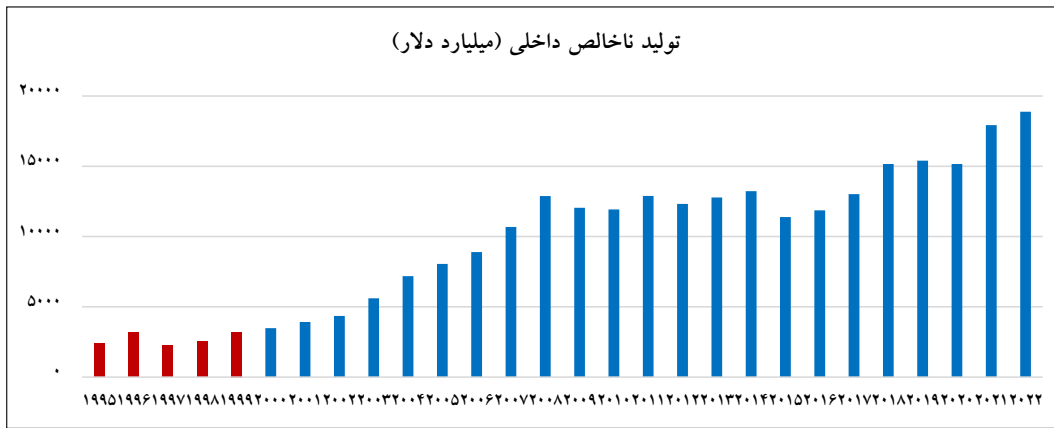
در پژوهش حاضر از داده‌های ۱۱ کشور از ۲۷ کشور در حال توسعه ملحق شده به سازمان استفاده می‌شود. ملاک انتخاب کشورها در دسترس بودن داده‌ها بر اساس مدل پژوهش بوده و دوره مورد بررسی (۲۰۲۰-۲۰۰۵) است. کشورهای مورد بررسی عبارتند از (سال عضویت در پراوتز آمده است): آلبانی (۲۰۰۰)، ارمنستان (۲۰۰۳)، اردن (۲۰۰۰)، اوکراین (۲۰۰۸)، بلغارستان (۱۹۹۶)، چین (۲۰۰۱)، روسیه (۲۰۰۲)، عربستان (۲۰۰۵)، کرواسی (۲۰۰۰)، گرجستان (۲۰۰۰)، مقدونیه شمالی (۲۰۰۳)، داده‌های پژوهش از پایگاه داده‌های بانک جهانی و سازمان جهانی تجارت جمع‌آوری شده است.

در ادامه روند متغیرهای صادرات، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای شش مورد از کشورها (شامل آلبانی، اردن، اوکراین، چین، روسیه و عربستان) که به طور نمونه از قلمروی مکانی پژوهش انتخاب شده‌اند، به طور جداگانه تحلیل می‌شود و سپس روند میانگین متغیرهای مذکور برای همه کشورها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین، نمودار پراکنش متغیرهای

صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی برای بررسی روند تغییرات همزمان این دو متغیر بررسی می‌شود. لازم به توضیح است که از سال الحاق به سازمان جهانی تجارت رنگ نمودار به آبی تغییر داده شده (رنگ آبی) تا علاوه بر تشخیص رابطه بین صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تاثیر الحاق به سازمان جهانی تجارت در جذب صادرات و رشد تولید ناخالص ملی مشخص شود.

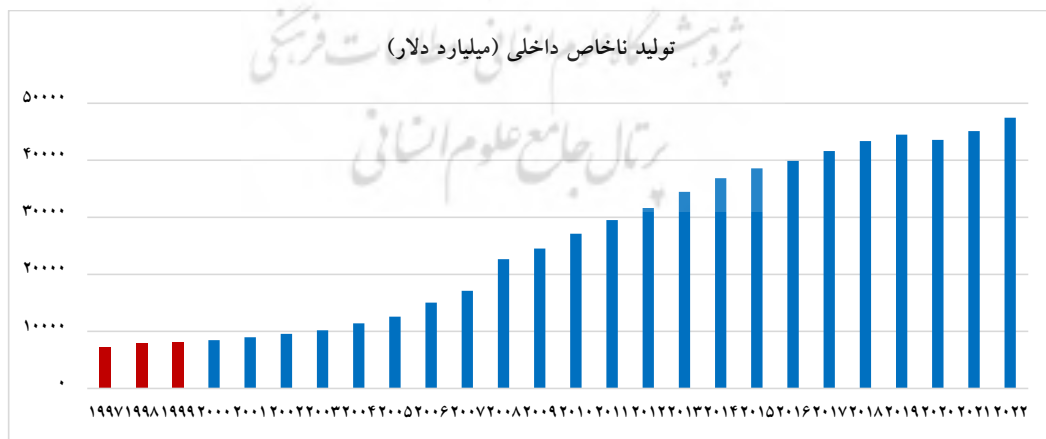
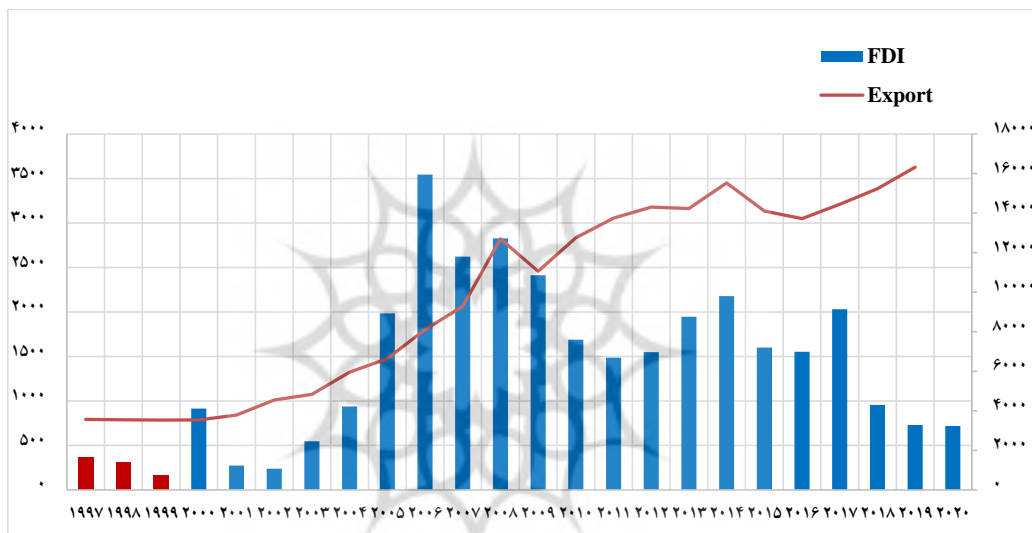
بر اساس نمودارها می‌توان ادعا کرد که در همه ۶ کشور مذکور در سال‌های پس از الحاق به سازمان جهانی تجارت، صادرات و میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش یافته است. اگر در برخی سال‌ها نیز میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به سال قبل از آن کاهش یافته، میزان صادرات نیز کاهش یافته است. بنابراین به صورت نموداری وجود رابطه مستقیم بین صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تایید می‌شود. همچنین نمودارها نشان می‌دهد که پس از الحاق به سازمان جهانی تجارت، تولید ناخالص داخلی این کشورها رشد کرده است. با این همه در خصوص دو کشور روسیه و عربستان ملاحظاتی وجود دارد که لازم به توضیح است.





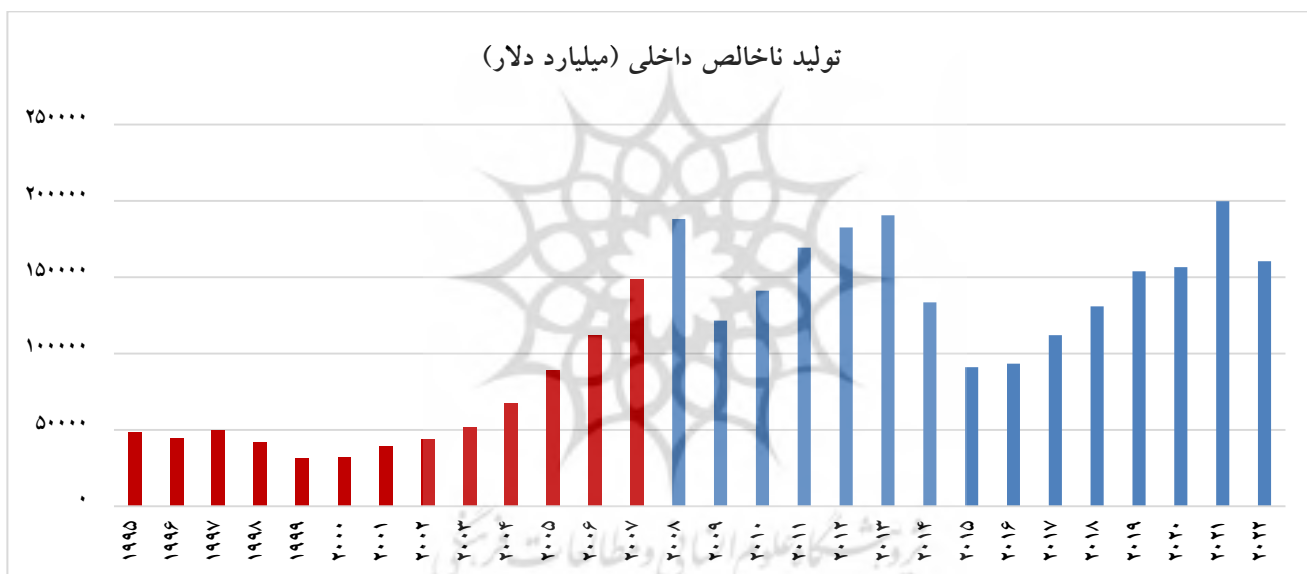
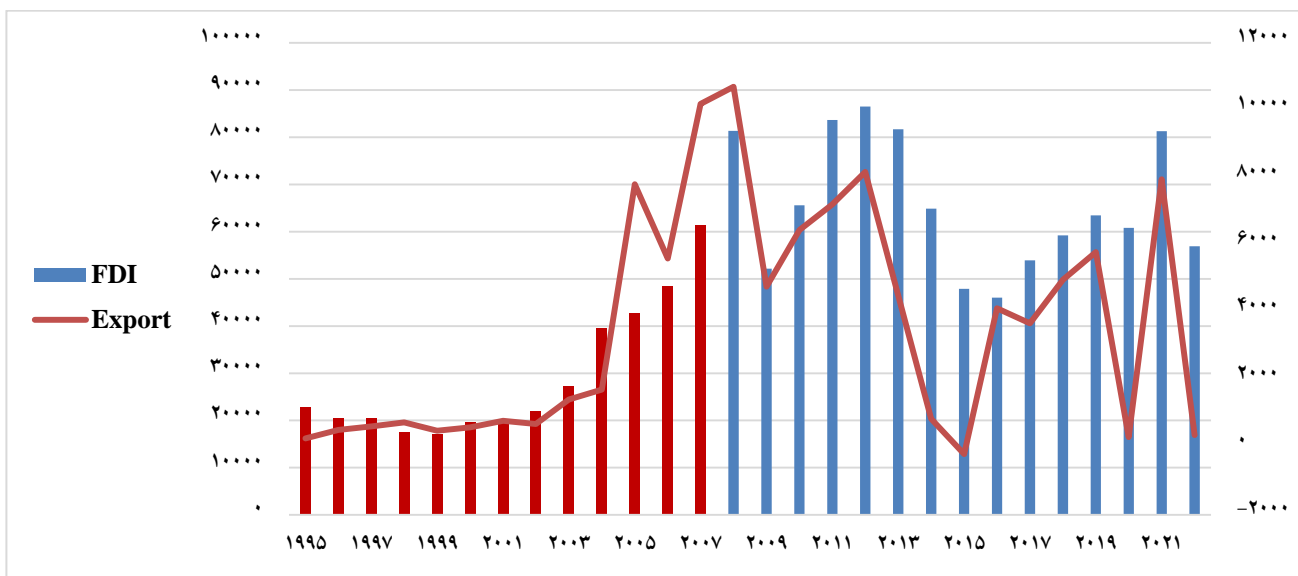
منبع: بانک جهانی

نمودار ۱- روند صادرات، جذب FDI و GDP در آلبانی



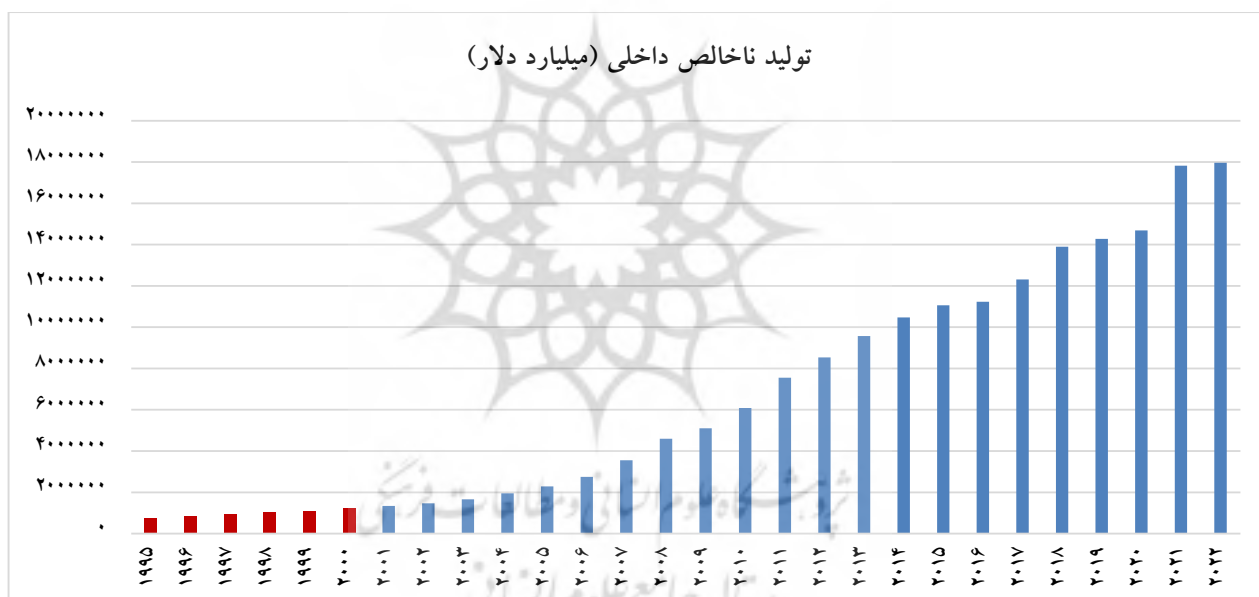
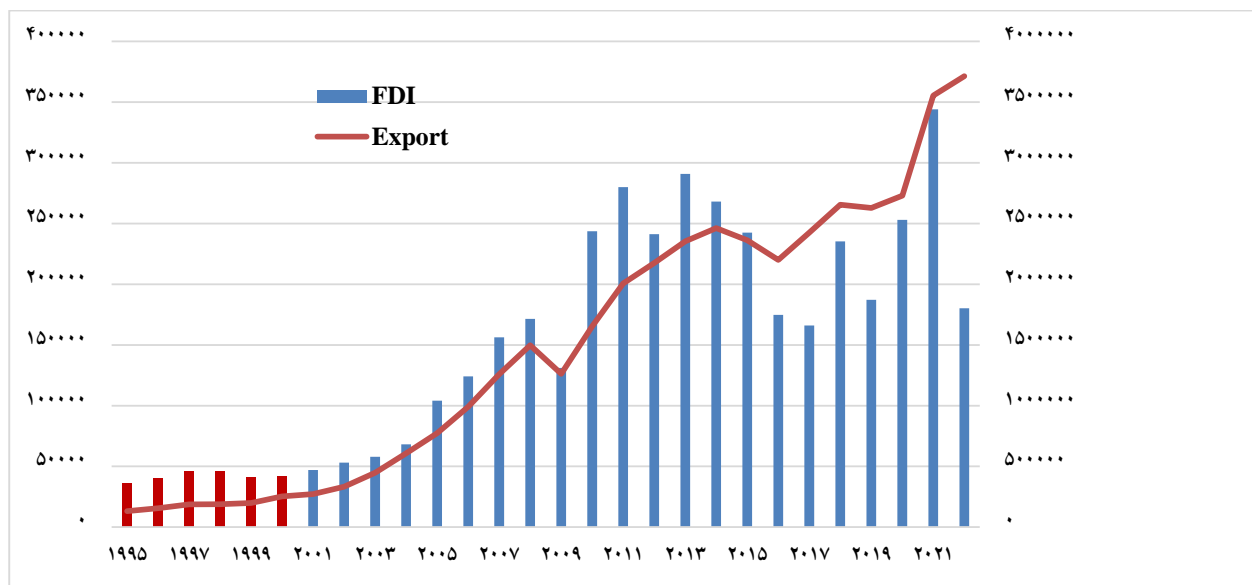
منبع: بانک جهانی

نمودار ۲- روند صادرات، جذب FDI و GDP در اردن



منبع: بانک جهانی

نمودار ۳- روند صادرات، جذب FDI و GDP در اوکراین



نمودار ۴- روند صادرات، جذب FDI و GDP در چین

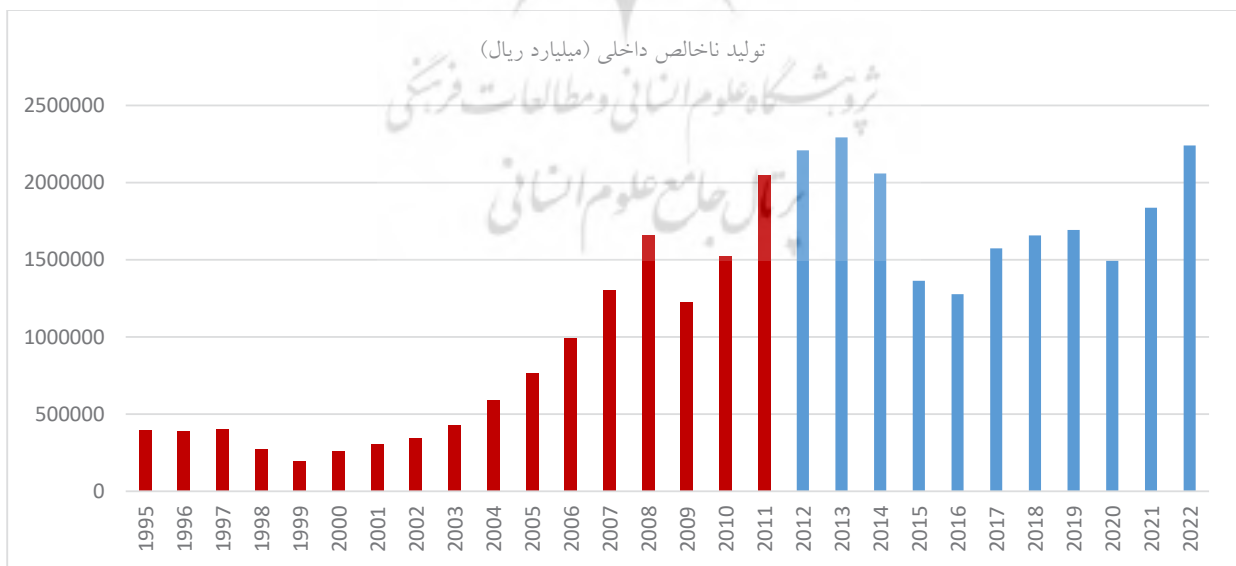
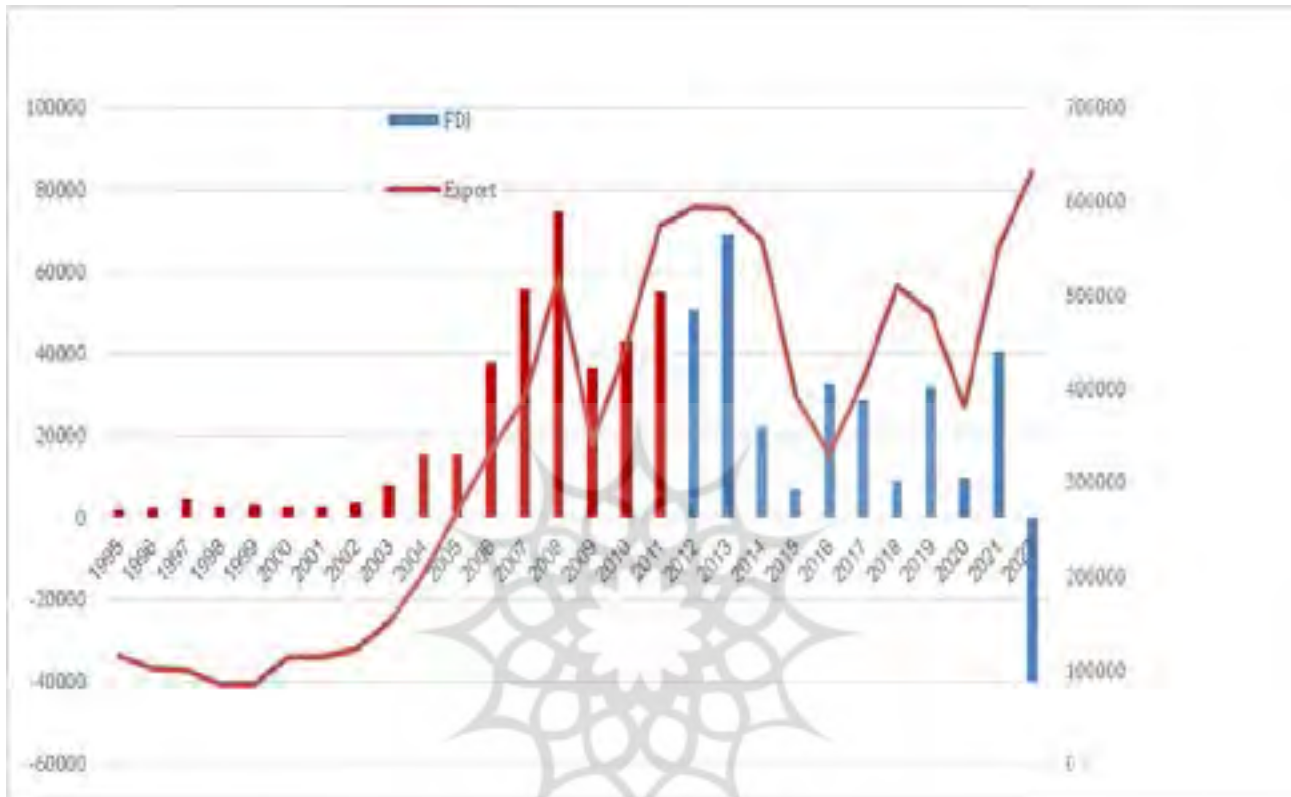
منبع: بانک جهانی

نمودار (۵) به خوبی نشان می‌دهد که در مجموع وضعیت روسیه پس از الحاق به WTO بدتر از وضعیت آن قبل از الحاق نبوده اما گویی سایه تحریم‌ها بر سر این کشور سنگین بوده است به طوری که الحاق به WTO و آزادسازی تجاری منتج از آن نتوانسته آن چنان که شایسته است

روسیه در سال ۲۰۱۴ مشمول تحریم‌هایی اروپا و آمریکا قرار گرفت که موجب کاهش تولید ناخالص داخلی، افول تجارت خارجی و کاهش دستمزدها و در مقابل افزایش نرخ تورم و ارز در این کشور شد. روسیه در پی این تحریم‌ها همچنین شاهد خروج سرمایه‌های خارجی بود هرچند

مبتنی بر گسترش صادرات است و ثبات سیاسی و روابط مناسب با کشورهای بزرگ و تأثیرگذار بسیار مهم و اساسی است (نادری و دیگران، ۱۴۰۱).

شرایط لازم را برای افزایش ظرفیت‌های جذب سرمایه‌های خارجی و رشد اقتصادی در این کشور فراهم کند. در واقع، تجربه روسیه حاکی از آن است که الحاق شرط لازم و نه کافی برای جذب بیشتر FDI عمودی و رشد اقتصادی

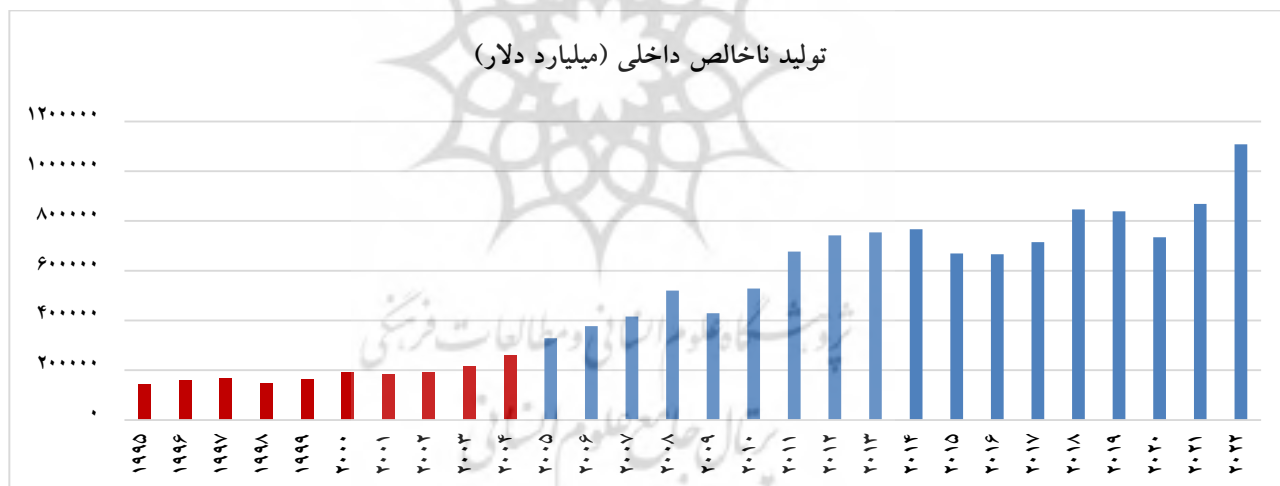
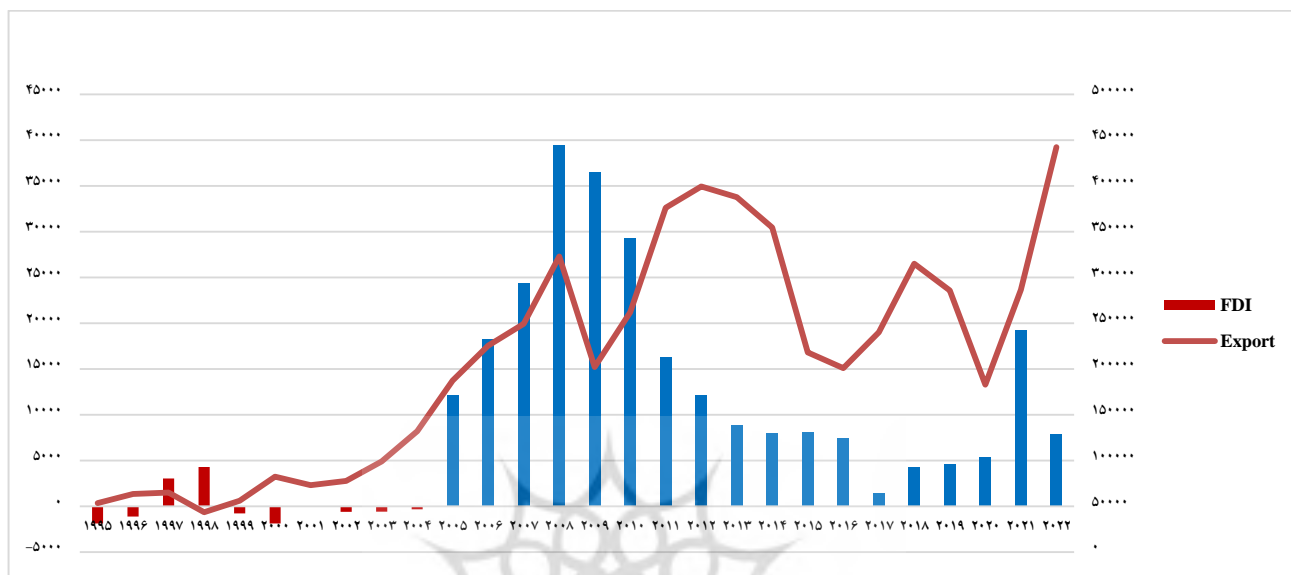


منبع: بانک جهانی

نمودار ۵- روند صادرات، جذب FDI و GDP در روسیه

در عربستان در سال‌های پس از الحاق به WTO جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پس از چند سال افزایش، روند کاهشی پیدا کرده است و البته متناسب با آن صادرات نیز دستخوش تغییر شده است (نمودار ۶). در مجموع این

کشور در سال‌های پس از الحاق وضعیت بسیار بهتری را نسبت به سال‌های قبل از آن در جذب FDI داشته و بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که الحاق به این سازمان در بهبود جذب سرمایه‌گذاری بی‌اثر بوده است (همان).



منبع: بانک جهانی

نمودار ۶- روند صادرات، جذب FDI و GDP در عربستان

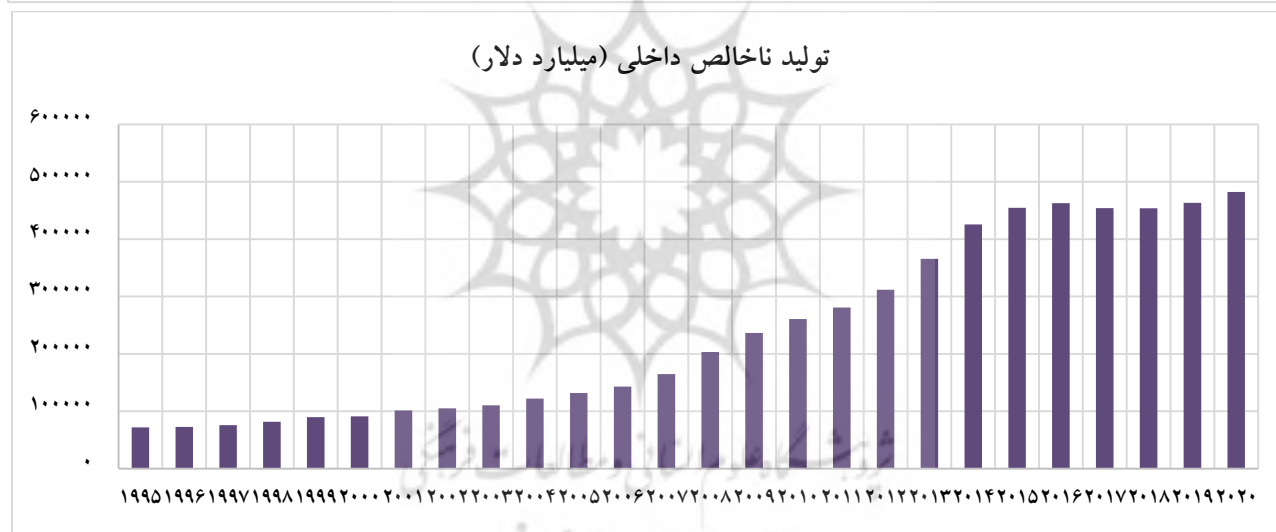
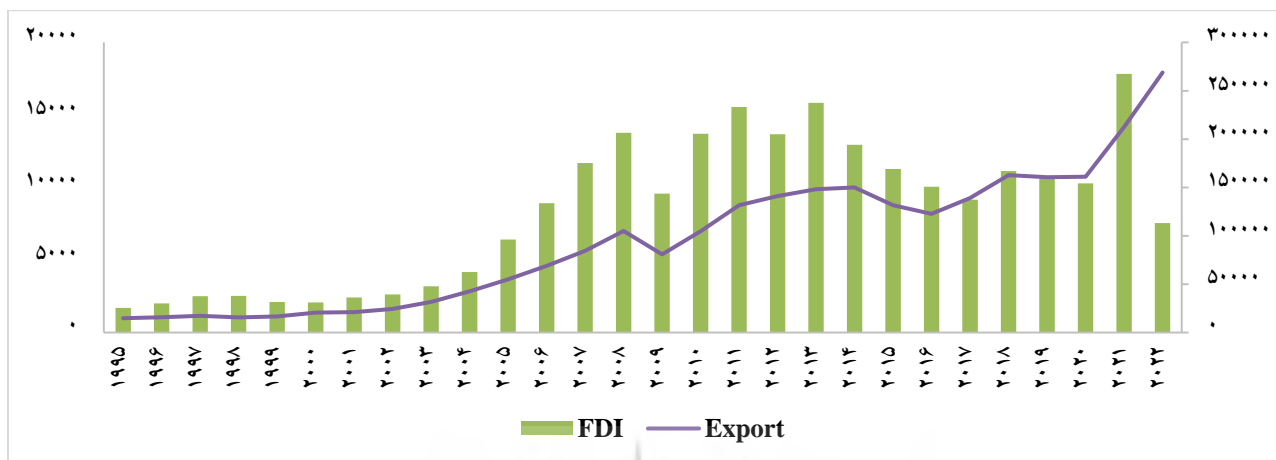
نشان می‌دهد که تاییدی بر رابطه مکملی بین این دو متغیر است.

در نمودارهای مربوط به تولید ناخالص داخلی، تقریباً در همه کشورها تایید می‌شود که میزان تولید ناخالص داخلی کشورها پس از الحاق به سازمان جهانی تجارت افزایش یافته

در مجموع نمودارهای (۱) تا (۶) نشان دادند که هم‌روندی و هم‌حرکتی میان سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات وجود دارد و با الحاق به WTO روند جذب FDI بهتر شده است. نمودار (۷) نیز به خوبی گویای این مطلب است. این نمودار روند میانگین صادرات و FDI را در کشورهای مورد بررسی را

می‌دهند که این سازمان چنین اثری نداشته است بلکه پس از الحاق، کشورها شاهد رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات و تولید ناخالص داخلی خود بوده‌اند

است. این یک پاسخ اساسی به برخی منتقدین الحاق به WTO در داخل ایران است که آن را مخل رشد اقتصادی و موجد بیکاری می‌دانند. دست‌کم این نمودارها نشان

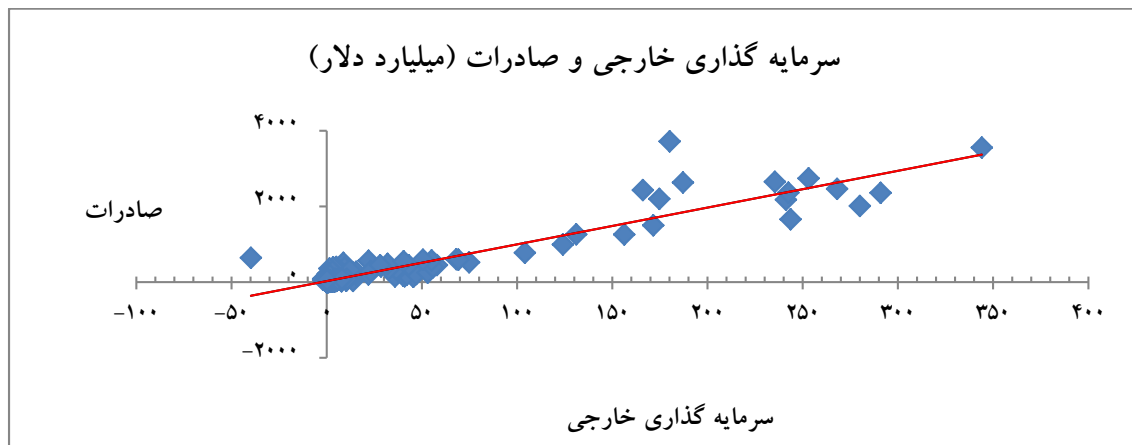


منبع: بانک جهانی

نمودار ۷- روند میانگین صادرات، جذب FDI و GDP در کشورهای مورد بررسی

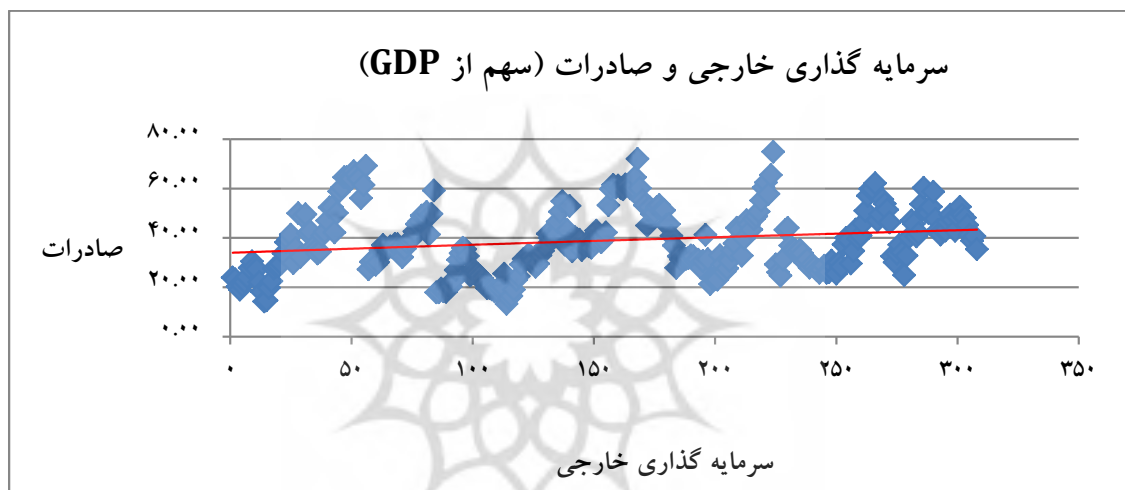
میلیارد دلار و سهم از GDP نشان می‌دهد. بر اساس این دو نمودار ضریب هم‌بستگی بین این دو متغیر مثبت است. بنابراین، انتظار می‌رود رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود داشته باشد.

نمودار (۸) و (۹) این واقعیت را بهتر نشان می‌دهد. این دو نمودار پراکنش دو متغیر سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات کشورهای مورد بررسی را از سال ۱۹۹۵ (سال شروع به کار سازمان جهانی تجارت) تا ۲۰۲۲ به ترتیب بر حسب



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۸- پراکنش ابعاد سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات (میلیارد دلار)



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۹- پراکنش ابعاد سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات (سهم از GDP)

روش اثر تصادفی در هر دو مدل رد شد و در نتیجه برای سازگاری برآوردها بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود. از آن جایی که طبق آزمونهای والد تعمیم یافته و وولدریج که نتایج آن در جدول (۱) آمده واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی نیز در هر دو مدل وجود دارد (فرضیه صفر مبنی بر نبود واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی رد می‌شود) برای رفع آن‌ها از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (FGLS) استفاده شد. نتایج برازش هر دو مدل در جدول (۱) منعکس شده است.

۴. برآورد مدل و تحلیل نتایج

به منظور تشخیص روش برآورد الگو، از آزمون‌های تشخیصی F، بروش-پاگان و هاسمن استفاده شده که نتایج در جدول (۱) قابل مشاهده است. آزمون‌های F و بروش پاگان به ترتیب بر اساس مدل اثرات ثابت و تصادفی، وجود اثرات کشوری را بررسی می‌کنند که طبق نتایج، در هر دو مدل (۱) و (۲) فرضیه صفر در هر دو حالت رد شده و اثرات کشوری پذیرفته می‌شود. سپس با آزمون هاسمن نوع اثرات (تصادفی یا ثابت) تعیین شد. فرضیه صفر مبنی بر برآورد الگو به

جدول ۱- نتایج برآورد مدل رگرسیونی

متغیر	مدل اول (متغیر وابسته: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)	احتمال (p-value)	مدل دوم (متغیر وابسته: صادرات)	احتمال (p-value)
مقدار ثابت	-۳/۱۶	۰/۶۵۸	۱۱/۵۸	۰
واردات (درصد GDP)	۰/۱۷	۰	-	-
لگاریتم GDP حقیقی کشورها	۰/۷۲	۰	-	-
GDP لگاریتم حقیقی جهانی	-	-	۰/۱۳	۰
لگاریتم نرخ ارز حقیقی	۰/۳۴	۰/۸۱۸	-۲۰/۶۶	۰
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (درصد GDP)	-	-	۰/۱۷	۰/۰۳۴
متغیر WTO	۰/۷۴	۰	۰/۸۳	۰
آزمون F	۱۳/۶۶	۰	۳۲/۴۸	۰
آزمون بروش-پاگان	۵۲/۵۵	۰	۵۲/۲۵	۰
آزمون هاسمن	۴۳/۹۶	۰	۰/۶۱	۰/۸۹۴
آزمون خودهمبستگی (وولدریج)	۲۰/۲۰۸	۰	۱۵۴/۹۰۴	۰
آزمون ناهمسانی واریانس (والد تعمیم یافته)	۱۹۱/۵۲	۰	۲۱۰/۸۸	۰
تعداد مشاهدات	۱۷۶	-	۱۷۶	-

منبع: یافته‌های پژوهش

کشور میزبان سرمایه‌گذاری نمی‌کند، بلکه هدف اصلی، دسترسی به بازارهای جهانی از طریق صادرات است و کشور میزبان را به عنوان محل سرمایه‌گذاری خود انتخاب می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که کشورهای مورد بررسی با الحاق به سازمان جهانی تجارت و بازکردن بازار خود ذیل مقررات این سازمان در مجموع توانسته‌اند سرمایه‌گذاری عمودی یا کارایی - طلب محور جذب کنند و صادرات خود را رشد دهند.

نتایج مربوط به سایر متغیرها نشان می‌دهد که بر اساس برآورد مدل اول، افزایش تولید ناخالص داخلی کشور میزبان تاثیر مثبت و معنی دار بر جذب FDI دارد. این نتیجه مطابق با فرضیه اندازه بازار است. بر اساس این فرضیه، تولید ناخالص داخلی بالاتر نشان‌دهنده اندازه بزرگتر بازار کشور میزبان است که انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی را برای حضور در بازار آن کشور بیشتر می‌کند.

در مدل اول یافته‌ها نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنی دار واردات با FDI است. این نوع رابطه موید آن است که رشد واردات باعث رشد FDI در کشورهای مورد بررسی شده است. در واقع، واردات بیشتر در نتیجه آزادسازی تجاری حاصل شده از الحاق به سازمان جهانی تجارت، جایگزین FDI نشده و بین این دو رابطه مکملی وجود داشته است. این نتیجه عیناً در مطالعه نادری و دیگران (۱۴۰۱) نیز حاصل شده است. برای بررسی اینکه FDI انجام شده در کشورهای مورد بررسی بیشتر از نوع کارایی-طلب بوده یا بازار-طلب از مدل دوم پژوهش استفاده شد. نتایج مدل دوم نشان‌دهنده تاثیر مثبت و معنی دار FDI بر صادرات بود. بنابراین در کشورهای مورد بررسی، FDI، بیشتر از نوع عمودی یا کارایی-طلب بوده تا افقی یا بازار-طلب. در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کارایی-طلب، سرمایه‌گذار صرفاً با هدف دسترسی به بازار

تأثیر نرخ ارز موثر حقیقی در مدل اول بر جذب FDI مثبت و معنی‌دار است. در حالی که برخی مطالعات پیشین تاثیر افزایش نرخ ارز در جذب FDI را منفی برآورد کرده‌اند، برخی مطالعات دیگر همبستگی مستقیم و معنی‌دار میان این دو را تایید کردند. برای نمونه، می‌توان به شی (Shi، ۲۰۱۹)، دسیتنیکوف و آکیبا (Desatnicov and Akiba، ۲۰۱۶)، لی و مین (Lee and Min، ۲۰۱۱)، زینگ (Xing، ۲۰۰۶) اشاره کرد که پیچیدگی ارتباط میان نرخ ارز و FDI را تایید کرده و نتایج آن‌ها در برخی موارد با مقاله حاضر همخوانی دارد. نرخ ارز موثر واقعی بالاتر که به معنای باارزش‌تر شدن پول ملی کشورهاست می‌تواند هزینه‌های وارداتی را برای سرمایه‌گذاران خارجی کاهش دهد و از این طریق رقابت‌پذیری آنها را از طریق کاهش هزینه‌های تولید در داخل کشور میزبان به خصوص در صنایعی که به واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد خام وابسته هستند افزایش دهد. از طرف دیگر نتایج برازش مدل دوم نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز موثر حقیقی منجر به کاهش صادرات می‌شود. نرخ ارز موثر حقیقی بالاتر به این معنی است که ارزش پول یک کشور نسبت به شرکای تجاری آن افزایش یافته است. این امر صادرات کشور را برای خریداران خارجی گران‌تر می‌کند و به طور بالقوه رقابت‌پذیری صادرات را کاهش می‌دهد. در واقع تاثیر مثبت کاهش ارزش پول ملی بر صادرات نشان می‌دهد که در مجموع شرط مارشال-لرنر برای کشورهای مورد بررسی برقرار است. همچنین، نتیجه به دست آمده با نظریه جی تطبیق دارد چراکه بر اساس آن در بازه میان مدت و بلندمدت کاهش ارزش پول ملی باعث بهبود تراز تجاری می‌شود. به علاوه، این نتیجه با مطالعات مختلف از جمله پژوهش گیانلا و چاتلویپ (۲۰۰۶)، بهمنی اسکویی و کوتان (۲۰۰۹) و اچ سیائو و دیگران (۲۰۱۲) تأیید می‌شود. بنابراین، در مجموع تأثیر نرخ ارز موثر واقعی بر صادرات از طریق جذب FDI مبهم است و بستگی به برآیند این دو اثر متناقض مستقیم و غیر مستقیم دارد. از یک طرف افزایش این نرخ

باعث افزایش FDI (به خاطر کاهش هزینه‌های وارداتی سرمایه‌گذاران و افزایش رقابت‌پذیری کالاهای تولیدی) و افزایش FDI باعث رشد صادرات می‌شود و از طرف دیگر افزایش نرخ مذکور به طور مستقیم باعث کاهش صادرات می‌شود. این دوگانگی به خاطر دو تأثیر متفاوت نرخ ارز بر صادرات و واردات است در حالی که سرمایه‌گذاران خارجی به هر دو جنبه تجارت خارجی (یعنی صادرات و واردات) نیاز دارند. نتایج برازش دو مدل نیز به خوبی این دوگانگی را نشان می‌دهد.

تأثیر متغیر تولید ناخالص جهانی حقیقی بر صادرات نیز در مدل دوم مثبت و معنی‌دار ارزیابی شده است. رشد این متغیر نشان‌دهنده قدرت خرید بالاتر در سطح جهان است که بر صادرات کشورها تأثیر مثبت دارد.

همچنین نتایج برآورد دو مدل، نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنی‌دار الحاق به WTO بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات است. بنابراین اجرای الزامات سازمان در حوزه دسترسی به بازار و مقررات از جمله مقررات مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی مثل موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری توانسته تأثیر مثبتی بر جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی صادرات محور داشته باشد که این نتیجه با مطالعه فتحی (۱۳۹۰) نیز تأیید می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همزمان رشد صادرات دو دغدغه مهم کشورهای در حال توسعه است. سرمایه‌گذاری خارجی کارایی- طلب سبب رشد صادرات کشور میزبان می‌شود چراکه بنگاه سرمایه‌گذار این نوع سرمایه‌گذاری را با هدف صادرات به بازارهای جهانی با استفاده از مزیت‌های نسبی کشور میزبان انجام می‌دهد. در مقابل، هدف غالب سرمایه‌گذاری بازار- طلب، تصاحب بازار کشور میزبان است. بنابراین، سرمایه‌گذاری کارایی- طلب رابطه مکملی با واردات و سرمایه‌گذاری بازار- طلب

رابطه جانشینی با آن دارد. همچنین، سرمایه‌گذاری کارایی- طلب منجر به افزایش صادرات کشور میزبان می‌شود در حالی که سرمایه‌گذاری بازار- طلب رقیب وادرات و کالاهای جانشین واردات است.

رابطه با کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت که تجربه کاهش موانع تجاری قابل توجه‌ای را در فرایند الحاق به این سازمان گذرانده‌اند یک پرسش مهم مطرح می‌شود: آیا این کشورها با الحاق به این سازمان و کاهش موانع وارداتی و همزمان اجرای الزامات این سازمان در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی (از جمله موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری در بخش کالایی و موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات در بخش خدمات) توانسته‌اند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کارایی- طلب بیشتری جذب کنند؟ برای پاسخ به این پرسش از یک نمونه ۱۱ عضوی از کشورهای ملحق شده به سازمان مذکور که فرایند مذاکرات الحاق را پشت سر گذاشته‌اند و به این سازمان پیوسته‌اند در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ استفاده شد. در گام اول بررسی شد که آیا بازبودن تجاری ذیل مقررات WTO اصولاً باعث رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای نمونه شده است یا خیر. برآورد مدل مرتبط تأیید کرد که افزایش واردات تأثیر مثبت و معنی‌داری بر جذب FDI در این کشورها داشته و رابطه مکملی بین این دو برقرار است. نتیجه به دست آمده با نتیجه مطالعه نادری و دیگران (۱۴۰۱) تطبیق دارد. بنابراین، یک اقتصاد رقابتی که در آن واردات با موانع کمتری روبروست بیش از یک اقتصاد بسته، مشوق سرمایه‌گذاری خارجی است. در گام بعد، با استفاده از یک مدل اقتصاد سنجی به پرسش اصلی پژوهش پاسخ داده شد: آیا جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی همراه با رشد صادرات این کشورها هم بوده است؟ نتایج برآورد مدل نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنی‌دار FDI بر صادرات بود. بنابراین، مثلث رابطه بین واردات، FDI و صادرات در کشورهای مذکور بدین گونه است که رشد واردات در نتیجه بازبودن تجاری (الحاق به

WTO) باعث رشد FDI و رشد FDI باعث رشد صادرات در این کشورها شده است. یعنی کشورهای مذکور توانسته‌اند از الحاق به WTO به نحو مفیدی برای جذب FDI و رشد صادرات ناشی از آن بهره‌مند شوند.

همچنین، بررسی‌های آماری از طریق نمودارهای مرتبط و نمودار پراکنش دو متغیر FDI و صادرات هم نشان از رابطه مستقیم این دو متغیر داشت. تنها آنکه درخصوص روسیه و عربستان در سال‌های پس از الحاق یک روند نزولی (هرچند همراه با نوسان) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قابل مشاهده است. با این وجود، درمورد هیچ کدام از این دو کشور نمی‌توان گفت که پیش از الحاق از لحاظ جذب FDI وضعیتی بهتر از بعد از آن داشته‌اند. نکته دیگر اینکه، بررسی نموداری نشان داد که پس از الحاق، GDP حقیقی کشورهای مورد بررسی رشد کرده است. این یک پاسخ اساسی به برخی منتقدین الحاق به WTO در داخل ایران است که آن را مخل رشد اقتصادی و موجد بیکاری می‌دانند. این بررسی نشان داد که، الحاق به سازمان جهانی تجارت رابطه منفی بر رشد اقتصادی و اشتغال کشور ملحق شده نداشته است. نتایج این پژوهش رافع نگرانی کشورهای مثل ایران است که از یک طرف به شدت به جذب بیشتر FDI و رشد صادرات خود می‌اندیشند و از طرفی از تبعات منفی الحاق به WTO بیم دارند یا الحاق به این سازمان را جدی نمی‌گیرند. دست‌کم تجربه کشورهای ملحق شده مورد بررسی نشان می‌دهد که کشورهای مورد بررسی با الحاق به این سازمان شاهد رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد صادرات و رشد تولید ناخالص داخلی خود بوده‌اند و موفق به جذب FDI کارایی- طلب شده‌اند. باید توجه داشت که با الحاق به این سازمان، صادرات کشور مشمول تعرفه‌های دولت کامل‌الوداد (MFN) سایر کشورهای عضو (که بیش از ۹۵ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند) می‌شود و امکان اعمال رفتار تبعیض‌آمیز با صادرات همه کشورهای عضو برداشته می‌شود و همین عامل مهمی در

جذب FDI کارایی - طلب خواهد بود. نتایج این پژوهش این واقعیت را برای نمونه کشورهای ملحق شده تأیید می‌کند. از این منظر، الحاق به این سازمان برای کشوری که به دنبال توسعه اقتصادی صادرات محور است یک ضرورت از جنبه توسعه اقتصادی در بلندمدت می‌باشد در غیر این صورت صادرات هر زمان می‌تواند مشمول رفتار تبعیض آمیز سایر کشورها در اعمال تعرفه‌ها، مالیات‌ها و مقررات مختلف مثل استانداردها و غیره قرار گیرد. صادرات و FDI دو موتور مهم رشد اقتصادی هر کشوری هستند و نقش WTO در تسهیل عملکرد این دو و شتاب بخشیدن به آنها انکارناپذیر است. از این رو پیشنهاد می‌شود دیپلماسی سیاسی و تجاری برای پیگیری فرایند الحاق کشور به WTO که سال‌هاست متوقف شده، فعال شود وگرنه هرچه زمان بگذرد تبعات منفی انزوای تجاری سنگین‌تر خواهد شد.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های استفاده شده از پایگاه اینترنتی داده‌های بانک جهانی و سازمان جهانی تجارت قابل دسترسی است. داده‌های تولید شده در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

آذربایجانی، کریم، راکی، مولود، رنجبر، همایون. (۱۳۹۰). تأثیر متنوع صادرات بر بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی (رویکرد داده‌های تابلویی در کشورهای گروه دی هشت). فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱(۳)، ۲۰۱-۱۶۵.
بزرگی، وحید (۱۳۸۶). درآمدی بر سازمان جهانی تجارت و الحاق ایران. تهران: نشر قومس.

تقوی، مهدی؛ و حسن‌پور کارسالاری، یوسف (۱۳۹۵). پیچیدگی صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای

در حال توسعه با تأکید بر ایران). اقتصاد مالی، ۱۰(۳۶)، ۱۴-۱۰.

زارع، محمد حسن (۱۳۸۵). سرمایه‌گذاری خارجی و سازمان جهانی تجارت با نگاهی به وضعیت ایران. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

چ، سید کمیل؛ و بابکی، روح‌الله (۱۳۸۷). نقش باز بودن اقتصاد در درجه تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر صادرات کشورهای آسیایی و اقیانوسیه: درسی برای اقتصاد ایران. پژوهشنامه بازرگانی، ۱۲(۴۸)، ۳۹-۶۸.

فتحی، یحیی (۱۳۹۰). اثرات پذیرش موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری سازمان جهانی تجارت (TRIMs) بر حساب جاری ایران. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

گروه نویسندگان (۱۳۸۵). سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

مهدوی عادل، محمدحسین؛ نوروزی، روح‌اله؛ مطهری، محب‌اله (۱۳۸۸). نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران. دانش و توسعه، ۱۶(۲۷)، ۱۶۱-۱۸۱.

مهدوی عادل، محمد حسین؛ کاظمی، علی؛ فیض محمدی، شیرین (۱۳۹۱). بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در ایران (۱۳۵۲ الی ۱۳۸۷). اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه)، ۱۹(۳)، ۱۵۱-۱۶۸.

نادری، بهناز؛ زارع، محمد حسن؛ حاج‌امینی، مهدی (۱۴۰۱). رابطه واردات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: مطالعه کشورهای در حال توسعه منتخب ملحق شده به سازمان جهانی تجارت. اقتصاد و تجارت نوین، ۱۷(۴)، ۱۴۵-۱۷۳.

ناهیدی، محمد رضا؛ و حسین پور، مهناز (۱۳۹۳). بررسی نقش مدیریت بهره‌وری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در توسعه صادرات غیرنفتی ایران. مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)، ۸(۳۰)، ۹۱-۱۱۳.

Ahmadi, R.; Ghanbarzadeh, M. (2011) FDI, Exports and Economic Growth: Evidence from Mena Region, Middle-East Journal of Scientific Research, v. 10, n. 2, p. 174-182, 2011, ISSN 1990-9233, IDOSI Publications, 2011, pg. 177. doi: 10.4236/tel.2018.89104

Azarbaijani, Karim, Rocky, Mouloud, Ranjbar, Homayoun. (1390). The diverse effect of exports on the productivity of the total factors of production and economic growth (panel data approach in the

- Galgau, Olivia and Khalid Sekkat, (2004), Does Economic Integration Affect FDI Inflows to Member Countries Equally? Dulbea, ULB And European Commission, Working Paper, WP-CEB04/025.
- Gianella, C., & Chanteloup, C. (2007). Assessing Russia's Non-fuel Trade Elasticities: Does the Russian Economy React 'Normally' to Exchange Rate Movements?. *Post-Communist Economies*, 19(2), 153-166. <https://doi.org/10.1080/14631370701312063>
- Goh, S. K., & Tham, S. Y. (2013). Trade linkages of inward and outward FDI: Evidence from Malaysia. *Economic Modelling*, 35, 224-230. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2013.06.035>
- Hanson, G. H., Mataloni Jr, R. J., & Slaughter, M. J. (2005). Vertical production networks in multinational firms. *Review of Economics and Statistics*, 87(4), 664-678. doi:10.1162/003465305775098080
- Horstmann, I., & Markusen, J. (1992). Endogenous market structures in international trade (natura facit saltum). *Journal of International Economics*, 32(1-2), 109-129. [https://doi.org/10.1016/0022-1996\(92\)90038-L](https://doi.org/10.1016/0022-1996(92)90038-L)
- Ibrahim, M., Koomson, I., Aluko, O. A., & Opoku, E. E. O. (2021). Re-examining Bhagwati hypothesis: the case of some selected countries in Sub-Saharan Africa. *Transnational corporations review*, 13(3), 334-345. <http://dx.doi.org/10.1080/19186444.2020.1863702>
- Jayakumar, A. Kannan, L. & Anbalagan, G. (2014). Impact of foreign direct investment, imports and exports. *International Review of Research in Emerging Markets and the Global Economy*, 1(1), 51-58.
- Karimov, M. (2020). The impact of foreign direct investment on trade (export and import) in Turkey. *European Journal of Interdisciplinary Studies*, 6(1), 1-17. doi: 10.26417/ejis.v5i1.p6-17
- Kasahara, S. (2004). The Flying Geese Paradigm: A critical study of its application to East Asian regional development. Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/21881/> MPRA Paper No. 21881, posted 07 Apr 2010 13:40 UTC.
- Kastratović, R. (2020). The impact of foreign direct investment on host country exports: A meta-analysis. *The World Economy*, 43(12), 3142-3183 <https://doi.org/10.1111/twec.1301>
- Kojima, K. (1975). International trade and foreign countries of Group D-8). *Scientific Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 1(3), 165-201. (In Persian)
- Bahmani-Oskooee, M., & Kutun, A. M. (2009). The J-curve in the emerging economies of Eastern Europe. *Applied Economics*, 41(20), 2523-2532 DOI: 10.1080/00036840701235696
- Blomstrom, M., & Wang, J. Y. (1989). Foreign investment and technology transfer: A simple model. [https://doi.org/10.1016/0014-2921\(92\)90021-N](https://doi.org/10.1016/0014-2921(92)90021-N)
- Borensztein, E., De Gregorio, J., & Lee, J. W. (1998). How does foreign direct investment affect economic growth?. *Journal of international Economics*, 45(1), 115-135. [https://doi.org/10.1016/S0022-1996\(97\)00033-0](https://doi.org/10.1016/S0022-1996(97)00033-0)
- Bozorgi, Vahid (1386). An income on the World Trade Organization and the accession of Iran. Tehran: Qoms Publishing. (In Persian)
- Brainard, S. L. (1997). An Empirical Assessment of the Proximity Concentration Trade-off between Multinational Sales and Trade. *American Economic Review*, 87(4), 520-544
- Carter, C. A., & Yilmaz, A. (1999). Foreign direct investment (FDI) and trade-substitutes or complements? An application to the processed food industry. *AgEcon Search* <http://ageconsearch.umn.edu/aesearch@umn.edu>.
- Deseatnicov, I., & Akiba, H. (2016). Exchange rate, political environment and FDI decision. *International economics*, 148, 16-30. doi: 10.1016/j.inteco.2016.05.002
- Dunning, J. (1997), The European Internal Market programme and Inbound FDI. Part 1, *Journal of Common Market Studies*, Vol 35, pp1-30 <https://doi.org/10.1111/1468-5965.0004>.
- Enderwick, P. (2017). What drives opposition to foreign direct investment (FDI)?: Chinese investment in the New Zealand dairy industry. *New Zealand Journal of Applied Business Research*, 15(2), 21-40. Doi: 10.1111/j.1757-7802.2012.01063.x
- Fathi, Yahya (1390). The effects of accepting the World Trade Organization Trade Investment Rules (TRIMs) agreement on Iran's current account. Tehran: Commercial Publishing Company affiliated with the Institute of Commercial Studies and Research. (In Persian)

- management and foreign direct investment in the development of Iran's non-oil exports. *Productivity Management (Beyond Management)*, 8(30), 91-113. (in Persian)
- National Board of Trade. (2008). The relationship between international trade and foreign direct investments for Swedish multinational enterprises - *Kommerskollegium*. Retrieved February 22, 2019, from <https://www.kommers.se/In-English/Publications/2010-and-older/The-relationship-between-international-trade-and-foreign-direct-investments-for-Swedish-multinational-enterprises/>
- Prasanna, N. (2010). Impact of foreign direct investment on export performance in India. *Journal of social sciences*, 24(1), 65-71. Doi: 10.1080/09718923.2010.11892838
- Ramondo, N., Rappoport, V., & Ruhl, K. J. (2011). Horizontal vs. vertical fdi: Revisiting evidence from us multinationals. New York: Leonard N. Stern School of Business, Department of Economics.
- Rana, P. B., & Dowling Jr, J. M. (1990). Foreign capital and Asian economic growth. *Asian Development Review*, 8(02), 77-102. doi: 10.1142/S0116110590000112
- Salvatore, D. (2019). *International economics*. John Wiley & Sons.
- Shi, J. (2019). Vertical FDI and exchange rates over the business cycle: The welfare implications of openness to FDI. *Journal of Development Economics*, 138, 274-293. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2019.01.004>
- Taqvi, Mehdi; and Hasanpour Karsalari, Yusuf (2015). The complexity of non-oil exports and foreign direct investment (a case study of developing countries with emphasis on Iran). *Financial Economics*, 10(36), 1-14. (In Persian)
- Tayibi, Seyed Kamil; and Babki, Ruhollah (2007). The role of economic openness in the degree of influence of foreign direct investment (FDI) on the export of Asian and Pacific countries: a lesson for Iran's economy. *Business Journal*, 12(48), 39-68. (In Persian)
- Tessema, W. K. (2019). Impact of Foreign Direct Investment on Export Performance: The Case of Ethiopia.
- Xing, Y. (2006). Why is China so attractive for FDI? The role of exchange rates. *China Economic Review*, 17(2), 198-209. <https://doi.org/10.1016/j>
- investment: substitutes or complements. *Hitotsubashi journal of economics*, 16(1), 1-12. doi: 10.15057/7991
- Korhonen, P. (1994). The theory of the flying geese pattern of development and its interpretations. *Journal of Peace Research*, 31(1), 93-108. <https://doi.org/10.1177/0022343394031001008>
- Kutan, A.M. and Vuksic, G. (2007). "Foreign Direct Investment and Export Performance: Empirical Evidence." Southern Illinois University Edwardsville and The William Davidson Institute, Michigan and Institute of Public Finance, Zagreb, Croatia. Doi: 10.1057/palgrave.ces.8100216
- Lee, B.S., & Min, B.S. (2011). Exchange rates and FDI strategies of multinational enterprises. *Pacific-Basin Finance Journal*, 19(5), 586-603. doi: 10.1016/j.pacfin.2011.05.003
- Mahdavi Adeli, Mohammad Hossein; and Kazemi, Ali; and Faiz Mohammadi, Shirin (1391). Investigating the effect of foreign direct investment on exports in Iran (1352 to 1387). *Monetary Economics, Finance (Knowledge and Development)*, 19(3), 151-168. (In Persian) <https://doi.org/10.22067/pm.v19i3.28559>
- Markusen, J. R., & Svensson, L. E. (1983). Trade in goods and factors with international differences in technology.
- Markusen, J. R. (2002). *Multinational firms and the theory of international trade*. MIT press. <https://doi.org/10.7551/mitpress/4797.001.0001>
- Mitic, B. & Ivic, M. (2016). The impact of foreign direct investment on export performance: case of European transition economies. *Independent Journal of Management & Production*, 7(3), 771-785. Doi: 10.14807/ijmp.v7i3.440
- Mukhtarov, S. Alalawneh, M. M. Ibadov, E. & Huseynli, A. (2019). The impact of foreign direct investment on exports in Jordan: An empirical analysis. *Journal of International Studies*, 12(3). doi: 10.14254/2071-8330.2019/12-3/4
- Naderi, Behnaz; Zare, Mohammad Hassan; and Haj Amini, Mahdi (1401). The relationship between imports and foreign direct investment: a study of selected developing countries that joined the World Trade Organization. *Modern Economics and Business*, 17(4), 145-173. doi:10.30465/JNET.2023.39170.1818 (In Persian)
- Nahidi, Mohammad Reza; and Hosseinpour, Mahnaz (2014). Examining the role of productivity

Writers group (2015). World Trade Organization, structure, rules and agreements. Tehran: Commercial Publishing Company affiliated with the Institute of Commercial Studies and Research. (In Persian)

Zare, Mohammad Hassan (1385). Foreign investment and the World Trade Organization with a look at the situation in Iran. Tehran: Commercial Publishing Company affiliated with the Institute of Commercial Studies and Research. (In Persian)

chieco.2005.10.001

Vavilov, S. (2005). Trade & FDI in Petroleum Exporting Countries: Complements or Substitutes?. Available at SSRN 868989.

Wang, M. (2009). Manufacturing FDI and economic growth: evidence from Asian economies. Applied Economics, 41(8),991-1002. Doi: 10.1080/00036840601019059

World Bank, (2006), World Development Indicators: CD-Rom, WDI 2006

